

فصل اول : مبانی تحقیق

مقدمه

در طول سالیان و از ابتدای حیات بشر، انسان همیشه با تحقیق سروکار داشته است. تحقیق و پژوهش برای آگاهی و شناخت مجهولات و پی بردن به مسائل ناشناخته صورت می گیرد در انسان میل به دانش و کشف حقائق حالت فطری داشته و همین امر یکی از عوامل موثر در پیشرفت امر تحقیق و ایجاد روشهای مختلف بوده است. انسان همواره برای رسیدن به مقصود و حل مشکلات، راههای مختلف را تجربه می نماید و مناسب ترین راه و روش را انتخاب میکند. امروزه بسیاری از آنچه به نام تحقیق یا حقیقت به مردم عرضه می شود حدس و گمان شخصی، فردی است که خود را محقق دانسته و گاه باطلی بیش نیست و از مقدمه هایی برای نتیجه گیری استفاده کرده که هنوز ثابت نشده اند. آنچه در اینجا اهمیت دارد آن است که تحقیقی می تواند راهگشا باشد که بر اساس اصول و موازین علمی صورت پذیرد.

همیشه تحقیق مایه حیات علم بوده، و در سایه تحقیق است که مباحث علمی گسترش می یابد. باید علوم مورد تحقیق و بررسی مجدد قرار گیرند تا افقهای تازه ای را در برابر چشم ها بگشایند و منابع زلالی را در اختیار انسان قرار دهند. تحقیق در همه عمر بشر وجود داشته، اما آنچه اهمیت این امر را در این دوران بیشتر کرده این است که امروزه اختلاط حق و باطل زیاد شده و بسیاری از افرادی که قصد دارند بر تن فرهنگ و عقیده خود لباس حق کرده و آن را بین مردم رواج دهند و در راستای اشاعه فرهنگ خود سعی می نمایند حقایق را در بین احساسات و عواطف و تعصبات و سفسطه ها پنهان کنند تا مبدا حقیقت ظاهر گشته عقیده باطل آنان را نابود کند. از این رو است که انسان باید تمامی اطلاعات خود را - علی الخصوص مسائلی که به دین ارتباط دارد را - از راه تحقیق به دست آورد. اما از آنجا که تحقیق در همه مسائل، وقت زیادی می برد خداوند مقرر کرده از هر گروهی طائفه ای بیاید و در دین متفقه شود و به سوی قوم خود برود و آنها را با انذار به طرف حق راهنمایی کند.

کسی که می خواهد پژوهشگر قابلی باشد و کار مهمی در یک رشته ی علمی انجام دهد باید در زمینه علم به صورت مطلق مطالعاتی داشته باشد تعریف علم، فلسفه علم و تاریخ علوم جزو مطالعاتی است که شایسته است یک محقق به آنها بپردازد. یک محقق باید بداند علم چیست و چگونه علم توسعه و ترویج می یابد همچنین یکی از ابعاد کار یک محقق این است که با روند

تاریخی رشته ای که در آن تحقیق می کند آشنا باشد. معمولا در اغلب رشته ها کتابهای وجود دارد که روند تکامل آن علم را بررسی می کند و عمدتا متون اصلی آن علم به حساب می آیند. به جرأت می توان گفت اکثر تحقیقاتی که بدون بررسی تاریخی آن موضوع نوشته شوند نقص دارند.

علم:

تعریفات زیادی در مورد علم وجود دارد اما آنچه مشهورتر از بقیه می باشد این است که علم یعنی: شناخت اشیاء همانگونه که هستند یا فهم رابطه بین دو یا چند پدیده همانگونه که در عالم حقیقت وجود دارد. که این علم یا تصور است و یا تصدیق.

برای مطمئن شدن از تطبیق تصور و تصدیق شکل گرفته در ذهن با واقعیت، باید مطلب را در عالم واقع چندین بار آزمایش نمود. اما در بسیاری از علوم خصوصا علوم انسانی قاطعانه نمی توان به درست بودن یا اشتباه بودن بسیاری از فرضیه ها حکم داد، از سویی دیگر برخی از معلومات تازه محققین یا حتی محققین کهنه کار واقعا با آنچه در عالم حقیقت وجود دارد در تناقض یا در تضاد است پس برای اینکه درست بودن یا اشتباه بودن نظریه ای ثابت شود می بایست ابتدا تحقیق ثبت شده، سپس مورد نقد و مناقشه قرار گیرد تا اشتباهات احتمالی آن مشخص شود. مسلم است هر چه افراد متخصص بیشتری در مورد نوشته ای نظر دهند یا مناقشه ها جدیدتر باشد، به همان اندازه احتمال وجود اشتباه در آن تحقیق کمتر می شود. اما به هر صورت هستند مسائلی که به جدیت نمی توان به درست بودن نظریه ها در مورد آن مطمئن بود.

منابع علم:

سرچشمه های دانش بشری ۵ دسته اند:

(۱) تجربه (۲) مرجع مطلع و آگاه (۳) استدلال قیاسی (۴) استدلال استقرایی (۵) روش علمی

تجربه: هر فرد براساس تجربیات شخصی خود می تواند پاسخهای بسیاری از سؤلهایی را که با آنها رو به روست بیابد. اما این روش محدودیت هایی هم دارد مثلا هر فرد براساس ویژگی های خاص خود تحت تأثیر حوادث قرار می گیرد. و در شرایط مشابه ممکن است دو فرد تجربیات متفاوت داشته باشند. پس اکثر تجربیات قابل تعمیم نیست. و همه موارد را نمی توان تجربه کرد چون بسیاری از تجربیات به قیمت جان انسان تمام می شود.

مرجع مطلع و آگاه: در این روش فرد پاسخ سؤالاتش را نزد کسی جستجو می کند که دارای آگاهی و صلاحیت باشد. اما این روش هم محدودیت هایی دارد. مرجع مطلع هم جایز الخطاست و از طرفی مراجع مطلع درباره اصول، اختلاف نظر دارند.

استدلال قیاسی: آنچه مشهور است این است که اولین گام اساسی برای کشف نظام مند حقیقت را فلاسفه یونان برداشتند. در استدلال قیاسی فرد با استفاده از قوانین معین منطق از احکام کلی به احکام جزئی می رسد. اما این روش هم محدودیت هایی دارد و نتیجه یک قیاس صوری نمی تواند از محتوای صغری (فرض فرعی) و کبری (فرض اصلی) فراتر رود لذا نتایج درست باید از صغری و کبری درست بدست آید.

استدلال استقرایی: این روش برای نخستین بار توسط فرانسویس بیکن مطرح شد. بدین شرح که کسب دانش باید از طریق مشاهده مستقیم باید صورت گیرد. انسان شخصاً طبیعت را مورد مشاهده قرار دهد و واقعیات معین را جمع آوری کند و به یک تعمیم دست یابد. اما این روش نیز با محدودیت هایی روبه رو است و باید برای اطمینان کامل از نتایج استقراء تمامی موارد، مورد مشاهده قرار گیرند که در اکثر موارد استقراءات ناقص هستند و نمی توان تمامی موارد را ثبت نمود.

روش علمی: در این روش مهمترین جنبه های روش استقرایی و قیاسی ترکیب شدند و روش علمی (روش استقرایی - قیاسی) به دست آمده. در روش علمی محقق بطور استقرایی از مشاهده به فرضیه و سپس بطور قیاسی از فرضیه به استنباط منطقی می رسد و پیامدهایی را که در صورت درست بودن رابطه فرض شده پیش خواهند آمد قیاس می کند. اگر استنباط های قیاسی با پیکره سازمان یافته و دانش مورد قبول، سازگار باشند با گردآوری داده های تجربی باز هم مورد آزمون قرار می گیرند و بر مبنای شواهد، فرضیه ها، رد یا قبول می شوند.

تقسیمات و دسته بندی علوم: آنچه ما امروزه از آن به عنوان اولین مرحله تدوین علوم یاد می کنیم؛ اطلاعاتی است که ما از گذشتگانی که در یونان می زیسته اند داریم. در یونان علم فلسفه شامل معرفت های نظری و عملی بشر - یعنی تفکر، تعمق و تفنن در مسائل شناختی - بود. علمی که در مبادئ و حقایق اشیاء و علل وجود آن بحث می کرد.

در آن زمان به علت عمیق نبودن شاخه های علوم مختلف همه علمها در یک علم جمع شده بود و علما هر کدام بر تمامی علوم احاطه داشتند و با افکار خود بر وسعت و دامنه آن می افزودند. اما هر قدر این شناسایی گسترش می یافت، امکان وقوف و احاطه یک فرد به جمیع معرفت های بشری کمتر و دشوارتر می شد. در نتیجه فرد نمی توانست بر تمام معلومات زمان خود مسلط شود. به همین علت کم کم علوم مختلف از همدیگر منشعب شدند، و دانشمندان هر کدام رشته ای را برگزیدند و دامنه فعالیت علمی خود را منحصر و محدود به یک رشته خاص نمودند.

گرچه این روند موجب شد شاخه های مختلف علوم بیشتر از قبل به رشد و تکامل نزدیک شود، اما بی خبر بودن دانشمندان از علوم دیگر، زیانهایی را هم در پی داشت. چنان که بعضی از متخصصان به جای اینکه موضوع تخصص خود را نسبت به مجموع علوم بسنجند و آن را از نظر ارزش و اهمیت در میان سایر علوم قرار دهند، متاسفانه راه مبالغه را در پیش گرفته و به وحدتی که باید پیوسته در میان علوم وجود داشته باشد توجهی نداشتند. حال آنکه شایسته است متخصصین، نظری اجمالی به مجموع علوم و وحدت آن داشته باشند. بخصوص که حل بسیاری از مسائل مهم که تضمین کننده سعادت و پیشرفت بشر است وابسته به نتایج حاصله از چند تخصص می باشد، و همیشه کسانی که از تخصص های بیشتر بهره برده اند خدمات ارزنده تری به جامعه بشریت ارائه داده اند.

بنابراین یک متخصص، ضمن اینکه تلاش می کند در یک علم متخصص شود همیشه رابطه تخصص خود را نسبت به بقیه علوم در ذهن دارد، و از منظر دیگر؛ همه علوم را به هم مرتبط می داند. اهمیت این امر باعث شد علما به فکر طبقه بندی صحیحی از علوم باشند. چون طبقه بندی صحیح علوم، هم وقوف به وحدت علم را ممکن می سازد و هم دور یا نزدیک بودن شعب مختلف علوم را مشخص می کند. و با این بینش، جدا شدن علوم و تخصصی شدن آن موجب خواهد شد که علوم هماهنگ با هم رشد نموده، و موجب رشد همدیگر شوند که نهایتاً با شناخت دقیق تر حقائق جهان هستی موجبات رشد بشریت در مسیر تکامل فراهم می شود.

از طرف دیگر چشم پوشی از کار رده بندی علوم در ذهن یک محقق و متخصص گاه موجب می شود که علوم هر کدام عمیق مورد بررسی قرار بگیرد اما سبب رشد در جامعه نشود.

تاریخ علوم: قصد ما از تاریخ علوم این نیست که آغاز و چگونگی منشعب شدن علوم را در این مطلب بررسی نماییم بلکه می خواهیم طلاب جایگاه خود را در این مسیر بیابند و بدانند که ادامه دهنده راه توسعه علم بشری هستند. پس باید بفهمیم که این علوم، چه وقت؟ و از چه شاخه ای منشعب شده؟ و الآن در چه مرحله ای است؟ و باحث می تواند چه اندازه به توسعه این علم کمک کند؟.

علوم انسانی از دیرباز دستخوش تغییرات زیادی بوده و معمولاً هر نسل وامدار علم گذشتگان خود است و حتی بزرگترین دانشمندان هم کارشان ادامه کار افرادی است که قبل از آنها می زیسته اند.

پس علمی که وجود دارد ادامه علوم گذشته است و بسیاری از دانسته های امروز تکیه بر علوم گذشته دارد و می توان گفت علم بشری مانند ساختمانی است که هر نسل قسمتی از آن را می سازد تا در نهایت کم کم تکمیل گردد.

این نکته باید در ذهن همه باشد که یک عالم و محقق هیچ گاه خود را از علوم گذشته محروم نمی کند و با کلمات پر زرق و برقی همچون قراءات جدید و... علوم گذشته را کنار نمی گذارد همان گونه که به علوم گذشته اکتفا نمی کند، بلکه معتقد است ترقی و تطور و تغییر باید در هر نسلی وجود داشته باشد تا در جمود و تعصب نماند.

آشنایی با مبانی تحقیق:

تحقیق در لغت به معنای درست و راست گردانیدن، پیدا کردن، یافتن یا جستجوی حقیقت آورده شده است. تعاریف به عمل آمده از تحقیق و پژوهش فراوانند. مثلاً گفته شده: تحقیق؛ کوششی است منظم جهت فراهم نمودن پاسخ یا پاسخهایی به سوالات مورد نظر، یا فرایندی است (چند مرحله ای) منظم برای کشف، فهم روابط بین پدیده ها. اما در اصطلاح آکادمی، به تلاشی تحقیقاتی، تحلیلی، نقدی و مقارنه ای در هر موضوعی اطلاق می شود که هدفش کشف و رسیدن به حقیقت باشد. در این تلاش موضوع کاملاً عرضه شده تمامی نظریه ها و ادله ذکر شده و بدور از میل باحث، موضوع مناقشه شده و نتیجه گیری می شود.

برای اینکه بتوان اسم بحث را متحقق کرد می بایست؛ نتیجه بحث موجب از یاد معرفت در زمینه ای، یا رشد و توسعه شاخه ای از علوم باشد چون حقیقت بحث این نیست که یک سری حقیقتهای معروف دوباره نویسی شوند، بلکه هدف کشف مجهولات، یا توسعه میدانی از میدانی علمی است که تا به حال توسعه نیافته، یا توسعه ی آن ناقص بوده است و باحث نقص مذکور را جبران می نماید. به صورت خلاصه منظور ما از روش علمی تحقیق، مجموعه قواعد و رویه ای است که محقق برای رسیدن به حقایق و واقعیت ها دنبال می کند تا سپس آنها را تفسیر، تبیین و اثبات نماید.

منهج بحث:

روشی که باحث در راه رسیدن به هدفش طی می کند منهج (Methode)، و علمی که در مورد طبیعت، اساس، ادوات و قواعد این منهج بحث می کند علم مناهج بحث (Methodologie) نام دارد.

منظور از منهج بحث، روش صحیح تنظیم معلومات برای کشف حقیقت است به گونه ای که عرضه معلومات بر اساس یک روش منطقی سالم باشد و خواننده از کنار هم قرار دادن اطلاعات آسان، معانی سخت را فهم نماید و از طریق معلومات بتواند مجهولات را کشف نماید و از طریق مسلمات، اختلافات را فهم کند و در تمامی این اتصالات انسجام افکار و ارتباط معلومات حفظ شود.

اما از آنجا که علوم به شاخه های مختلفی تقسیم می شوند برای بحث در هر علمی منهجی وجود دارد مثلا برای علم تاریخ منهج خاص تاریخی وجود دارد همین گونه علوم طبیعی و تجربی هر کدام منهج خاص خود را دارند. گاهی اوقات اگر از منهج خاصی برای علم دیگری استفاده شود باعث کاملاً مسیر را اشتباه می رود. با این وجود راه و رسم تحقیق نزد محققان مختلف متفاوت است، هر چند همه محققین در روند تحقیقات خود قواعد کلی را رعایت می کنند اما هر کس بنا بر سلیقه و تمرین و تجربه خود شیوه ای خاص را در تحقیق دنبال می کند همین امر هم باعث شده که قاعده و روشی استاندارد مورد پذیرش همه محققان نباشد.

برخی از روش های اصلی و مهم عبارتند از:

۱. تاریخی ۲. تجربی (آزمایشگاه - مشاهده) ۳. کتابخانه ای یا اسنادی ۴. میدانی (آمار - مصاحبه)
- در همه علوم خصوصاً علوم انسانی چند چیز همیشه باید به عنوان منهج رعایت شود که عبارتند از:
۱. موضوعیت که منظور از آن: حصر تحقیق در مورد یک قسمت خاص است و پرداختن به نقاط حاشیه و جانبی که باعث تشتت افکار خواننده شود
 ۲. تعریف دقیق مصطلحات و الفاظ
 ۳. پرداختن کامل به موضوع (تقسیمات منطقی، استقراء فرضیه ها و استدلالات)
 ۴. استفاده از معلومات برای کشف مجهولات.

هدف از بحث:

نوشتار به طور کلی نوعی ذخیره سازی اطلاعات است و محققین با نوشتن دست آورد تحقیق خود گنجینه ای از اطلاعات را در اختیار دیگران قرار می دهند تا از آن استفاده کرده و آنها را توسعه دهند.

پس هدف بحث علمی ادامه دادن روند توسعه اطلاعات بشر است و این هدف وقتی تجلی می یابد که باحث در یکی از مجالات زیر به تحقیق بپردازد:

۱. کشف حقائق جدید در موضوعی که تا به حال به آن پرداخته نشده.
۲. فهمی جدید از یک موضوع از طریق منهجی جدید و نگاهی نو به علوم که منجر به کشف عوامل و اسباب جدیدی در مورد حقائق گذشته می شود
۳. تحقیق در مورد موضوعات مختلف فیه یا تحقیق مخطوطاتی که در آن زمینه نوشته شده و به فهم مسائل مشکوک کمک می کند.
۴. ایجاد یک موضوعی جدید از ترکیب علوم و ترتیب و تنظیم آن به صورتی جدید و مفید.
۵. تنظیم یک موضوعی علمی که تا به حال در یک جا جمع نشده بلکه در خلال کتب متفاوت یافت می شود.

اما در قسمت لیسانس بیشتر بحثها موارد پنجم است و هدف از آن جمع آوری اطلاعات علمی از مصادر اصلی و گاهها مراجع ثانویه و بازنویسی آنها طبق اسلوب علمی واضح، به روش منهجی و منظم می باشد. در این مرحله ضروری نیست که حتما باحث آراء و نظریات خاص خودش را داشته باشد بلکه به اندازه ای که بتواند در مسائل اصلی، یکی از آراء را با دلیل ترجیح دهد کفایت می کند چون هدف اصلی بحث در این دوره شامل موارد زیر می شود:

۱. توان انتخاب یک موضوع مناسب
۲. تنظیم هیکل بحث
۳. جمع آوری اطلاعات از مصادر و مراجع
۴. تمرین نوشتن بر اساس منهجیت علمی
۵. ربط بین مباحث
۶. باز نویسی آن در اسلوبی خاص است.

انواع تحقیق

اولین مرحله از تقسیم بندی تحقیق را می توان منوط به هدف از انجام تحقیق دانست. بدین صورت که آیا هدف از انجام تحقیق علائق علمی محقق است یا احتیاجات عملی؟. بدین شکل که محقق برای موشکافی در تجربیات خود و دیگران، کنجکاوی های علمی و یا الهامات و فرضیات علمی محض بدنبال اجرای تحقیق است و یا اینکه هدف کسب اطلاعاتی است که بتواند مشکل یا مسئله فوری را حل نموده و یا زمینه را برای تصمیم گیری در مورد یک موضوع یا مسئله خاص فراهم نماید. چنانچه هدف اول مد نظر باشد با تحقیق بنیادی یا

Basic Research روبرو هستیم که در تعریف آن گفته میشود: " تحقیقی است که برای

گسترش و بسط دانش یا علوم پایه در یک نظام و بخاطر فهم آن طرحریزی می شود. ممکن است همه یا بخشی از این دانش در آینده کاربرد داشته باشد ولی معمولاً خود محقق در کاربرد نقشی ندارد. " اما چنانچه تحقیق برای هدف دوم انجام شود آنرا تحقیق کاربردی یا Applied Research می نامند و در تعریف آن گفته می شود: " این نوع تحقیق بر روی یافتن راه حل مسائل فوری با ماهیت عملی متمرکز می شود و بنابراین این تحقیقات جنبه عملی داشته و معمولاً خود محققین در کاربرد نتایج دخیل می باشند ".

گروهی تحقیق نظری را هم به این دو تقسیم اضافه نموده اند که اگر بخواهیم به صورت خلاصه اقسام تحقیق را تعریف نماییم بدین صورت خواهد بود.

۱. بنیادی: پژوهشی است که به کشف ماهیت اشیاء، پدیده ها و روابط بین متغیرها، اصول، قوانین و ساخت یا آزمایش تئوریهها و نظریه ها می پردازد و به توسعه مرزهای دانش رشته علمی کمک می نماید.

۲. کاربردی: پژوهشی است که با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی به منظور بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی انجام می شود

۳. نظری: نوعی پژوهش بنیادی است و از روشهای استدلال و تحلیل عقلی استفاده می کند و بر پایه مطالعات کتابخانه ای انجام میشود

خصوصیات و صفات اخلاقی محقق:

استعداد فطری و توان علمی دو خصوصیتی است که اگر در شخصی وجود نداشته باشد نمی تواند یک محقق خوب باشد. همانگونه که ذکر شد باحث کسی است که از علومی که گذشتگان به ارث گذاشته اند بهره جسته و آنها را ادامه داده و با بحث و افکار جدید مجهولات جدیدی را معلوم می نماید.

مسلم است که باحث باید قدرت تنظیم معلوماتی که می خواهد نقل کند را داشته باشد و آنها را به گونه ای تنظیم نماید که از نظر معنا و مدلول، یک نظم منطقی داشته، افکارش مرتب و سلسله وار، و به دور از غموض، پیچیدگی و تطویل باشد و آنها را در اسلوب علمی عرضه دارد. پس قدرت تنظیم، باب بندی، جزء جزء نمودن و قرار دادن هر جزء در جای خودش به گونه ای که با استفاده از معلومات، مجهولات کشف شوند، و پرداختن به موضوعاتی که در حاشیه قرار دارند اموری است که نمی شود در یک بحث علمی از آن بی نیاز شد. این قدرت هم می تواند به صورت یک توان

فطری باشد، که در برخی انسانها وجود دارد و هم می شود آن را از طریق تمرین و ممارست در خود ایجاد کرد.

رعایت امانت علمی نسبت به افکار و اقوال و صاحبان آنها، نباید تنها به عنوان شرف باحث باشد بلکه باید شعاری باشد که در تمام بحث، خود را به وضوح به دیگران نشان دهد. صبر بر مشکلات بحث، تأنی، عجله نکردن و جستجوی تمامی افکار و ادله از خصوصیات است که باید در هر باحثی وجود داشته باشد.

پس بحث علمی، دقیق و خوب زمانی ارائه می شود که باحث موارد زیر را رعایت کند:

۱. هدفش کشف حقیقت باشد و اهداف دیگری مانند منفعت و مصلحت خود یا دیگری را در بحث خود دخیل نکند

۲. با صبر و حوصله تمام تفصیل موضوعی که قصد معالجه اش را دارد بررسی نماید به گونه که حق تمامی جوانب بحث ادا شود.

باحث نباید رأی یا دلیل یا حجتی را که میل و رغبتی به آن یا صاحب رأی ندارد رها کند چون موضوعیت علمی ذکر تمامی اقوال را می طلبد و همچنین نباید اقوال را ناقص نقل کند که بتواند رأیی که دوست دارد را برگزیند.

۳. بحث خود را بر مبنای عقل و منطق سلیمی که بر اساس ادله نتیجه می گیرد بنا نماید.

۴. آنچه را می خواند به خوبی فهم کند و در باره آن درست فکر کند.

این شرط زمانی به نتیجه می رسد که معنی حقیقی، که صاحب نص قصد گفتن آن را داشته از جانب محقق فهم شود. چون اغلب اوقات حقیقت نص یک چیزی است و فهم و تفسیر و برداشت خواننده چیز دیگری. و اختلاف در فهم نصوص امروزه یک امر شایعی در میان باحثین می باشد. گاهی باید برای فهم درست چندین بار یک متن را خواند مثلاً فارابی کتاب «النفس» ارسطو را صد بار خوانده و کتاب «الطبیعة و السماع الطبیعی» را چهل بار و کتاب «الخطابه» را دویست بار خوانده تا درست فهم نماید.

۵. در برابر آراء و معلومات متداولی که گذشتگان یا معاصرین آن را حقائق می دانند که هیچ شکی در آن نیست مطلقاً تسلیم نشود. یا اینکه فکر کند این موضوع جزء مقدسات است و

نباید در مورد آن فکر کرد یا معتقد باشد این موضوع قابل مناقشه نیست. بلکه در مورد هر چیزی که ربطی به موضوع تحقیقش دارد باید تفکر و کند و کاو نماید و همه افکار را چه آنکه به نظرش جالب است و چه آنکه جالب نیست مورد بررسی و مناقشه قرار دهد.

پس باید گفت که باحث باید عقلش را از هر عادت و تقلیدی که بدون دلیل در ذهن خود جا داده یا آن اطلاعات را به ارث برده آزاد و رها کند. لذا تا مادامی که قسمتی از این اوهام در ذهن باحث باشد او نمی تواند به طرف حقیقت حرکت کند. این عدم اعتماد به معلومات به شک دکارتی معروف است که انسان در همه چیز می تواند شک کند فقط در اینکه آیا در این موضوع شک دارد شکی نیست و همه معلومات را از این نقطه بنا می کند.

۶. در راه رسیدن به هدف آمادگی صرف مال و وقت و تلاش را داشته باشد همان گونه که از ارسطو نقل است: «طالب العلم كالفائض فی البحر، لا یصل إلی الجواهر الکریمه إلا بالمخاطر العظیمه»

۷. در راه رسیدن به هدف صبور باشد و در اختیار الفاظ برای تعبیر از معانی دقیق باشد و از عباراتی که دو پهلو باشد و خواننده را در حیرت و شک واقع نماید جدا خودداری نماید.

۸. داشتن تواضع علمی یعنی باحث آراء دیگران را به سخره نگیرد و لو اینکه رأیی باشد که در این زمان بطلان آن از چند طریق به اثبات رسیده باشد. چون طبیعت عالم با تکبر و استهزاء مخالف است و هر چه علمش بیشتر شود تواضعش هم بیشتر می شود چون می داند که همه نمی توانند تمام حقائق را بدانند و همچنین می داند که احتمال اشتباه در تحقیقات وجود دارد.

۹. رعایت نمودن امانت علمی چه در کامل نوشتن متن و لو اینکه بعضی کلمات با اعتقاد یا میل او همخوانی نداشته باشد و چه در عدم سرقت که دست آورد علمی دیگران را به اسم خود ثبت کند و هیچ نامی از صاحب اصلی کلام نبرد.

مراحل تحقیق

همانگونه که گفته شد تحقیق یک فرایند است مراحل تحقیق علمی را می توان به این صورت نام

برد:

مرحله اول - ایجاد سؤال (پرسش آغازین) :

در این مرحله پرسشی در ذهن پژوهشگر شکل می گیرد. این پرسش می تواند ناشی از کنجکاوی محقق، نیازهای فردی و اجتماعی، مواجه شدن با بعضی از موانع و تجربیات فردی، مطالعه کتاب، مجله و ...

پس اولین مرحله تحقیق احساس وجود یک مشکل است؛ به این معنی که پژوهشگر در کار خویش با مانع یا مشکلی روبرو گردیده است که در حل آن ابهام یا تردید دارد و نمی تواند در مقابل آن ساکت بماند. بنابراین این نقطه آغازین در انجام هرگونه پژوهش یا تحقیقی بسیار مهم است و نقش آموزش افراد برای مسئله یابی که در برخی نظام های آموزش و پرورش بر آن بسیار تاکید می شود نیز از همین امر نشات می گیرد. هرچه ضرورت پرسش در هنگام تدریس برای فراگیر بیشتر مطرح شود و از او خواسته شود تا ذهن خود را برای طرح سوالات بیشتر فعال سازد می توان انتظار داشت که در آینده نیاز به تحقیق و پیشرفت در او ارتقا یابد

مرحله دوم - مشخص کردن موضوع تحقیق (تبدیل سؤال به موضوع تحقیق):

در این مرحله محقق باید مسئله مورد تحقیق خود را براساس سؤال یا سؤال هایی که در مرحله قبل در ذهن او ایجاد شده است به موضوع تحقیق تبدیل کند.

لازم به ذکر است که از رایج ترین روش های انتخاب موضوع این است که باحث با میل درونی خود آن را انتخاب کند. معمولاً منطقی این است که باحث متوجه موضوعی جالب برای تحقیق می شود که با روحیه وی سازگاری دارد، یا متوجه وجود مشکلی در موضوع خاصی شده و در صدد رفع آن مشکل از راه تحقیق می باشد. اما گاهی اوقات باحث از دیگران درخواست می کند که موضوعی به او معرفی کنند، معمولاً این افراد در بحث خود به موفقیت خوبی دست پیدا نمی کنند. و حتی در قسمت تحصیلات تکمیلی خیلی از اساتید این نوع اختیار موضوع را مخل تحقیق می دانند.

البته منظور از آزادی «انتخاب موضوع» این نیست که باحث بتواند در هر مورد، و هر گونه که خواست موضوع انتخاب نماید، بلکه نکاتی باید در انتخاب موضوع رعایت شود، که عبارتند از:

- ۱- موضوع تحقیق، روشن و بدون ابهام باشد و سؤال اصلی تحقیق در آن مشخص باشد.
- ۲- موضوع، می بایست متناسب با توانمندی محقق باشد. لذا موضوعاتی که در راستای رشته تخصصی طلاب نباشد یا هیأت علمی توانمندی باحث را در آن موضوع تایید نکند مورد پذیرش واقع نمی شود.
- ۳- موضوع، متناسب با فرصت محقق و قابل اجرا توسط او باشد.
- ۴- موضوع، باید محدود شود یعنی خیلی وسیع نباشد.

۵- موضوع، نباید از موضوعاتی باشد که قبلاً در مورد آن تحقیق شده و حل شده باشد و یا پاسخ معلوم باشد.

مرحله سوم: توصیف (بیان) مسئله تحقیق

پس از تعیین موضوع ضروری است جوانب و ابعاد آن را معلوم داریم برای دست یابی به چنین مقصدی ضروری است موضوع را بشکافیم در طریق شکافتن موضوع به اصول و نکاتی باید توجه داشت که اهم آنها به این قرار است:

۱. تعریف موضوع (تعریف باید جامع مانع و رسا باشد)

۲. بررسی لغات و اصطلاحات

۳. توصیف دقیق مسأله که شامل: الف) توضیحی مختصر در مورد موضوع، ب) نحوه بروز یا وقوع، ج) وسعت و شدت مسأله و عوارض ناشی از آن در جامعه. د) عوامل دخیل در بروز مسأله و نحوه برخورد فعلی با مسأله.

۴. تهیه و تنظیم سئوالات

معمولاً هر تحقیق شامل یک سوال اصلی و ده سوال فرعی است و سوال فرعی سوال اصلی را جزئی تر می کند. گروهی بر اساس همین سئوالات فصل های تحقیق خود را تعیین می کنند به گونه ای که هر فصل جوابی به یکی از سئوالات فرعی باشد.

۵. نوشتن عناوین و سرفصلها:

مهمترین بخش در تحقیق، فهرست عناوین و سرفصل ها است که هر چه با دقت بیشتری انجام شود تحقیق نظم و ترتیب بهتری خواهد داشت. بهترین کار این است که با نگاهی اجمالی به چند منبع اصلی و فهرست آنها هر عنوان را و لو اینکه تکراری باشد یادداشت نماییم و سپس آنها را با هم ادغام کرده عناوینی که از نظر منطقی به هم ربط دارند را در یک فصل بگنجانیم و طبق همان منطق فصول را پشت سر هم قرار دهیم. دقت کنیم ترتیب مباحث بر اساس منطق باشد.

۶. آنچه در مورد راه حل مسأله می اندیشید.

مرحله چهارم - تبیین اهمیت و اهداف تحقیق

معمولاً هدف از تحقیق این است که با واضح ساختن موضوعی یا علل و موانع چیزی بتوانیم از آن در آینده استفاده نماییم و یا با پیش بینی اتفاقات آینده، آن را کنترل نماییم. اما در این

مرحله بدنبال نوشتن قسمت بیان مسئله تحقیق لازم است تا اهداف تحقیق را برشماریم. ابتدا باید به این سوال پاسخ دهیم که هدف چیست؟ به تعبیر دیگر باید مشخص نمائیم که انتظار داریم از این مطالعه به چه نتایجی دست پیدا کنیم. در تعریف هدف گفته اند: «هدف نقطه ای است که محقق قصد رسیدن بدان را دارد تا در آنجا به داوری پردازد». از سوی دیگر «مقصود و منظور نهایی از تحقیق را نیز هدف دانسته اند.» چنانچه اهداف یک تحقیق بخوبی نوشته شود محقق در می یابد که نیاز به چه نوع اطلاعاتی دارد و از چه راههایی باید به جستجوی آنها پردازد و این خود راه گشای نحوه انجام تحقیق نیز خواهد بود.

در تقسیم بندی اهداف تحقیق معمولاً بدین گونه عمل می شود:

ابتدا «هدف کلی» که منظور همان موضوع تحقیق است و قصد مشخص نمودن آنرا داریم یا به عبارتی آنچه در پایان مطالعه قصد رسیدن بدان را داریم می نویسیم دقت کنید که هدف کلی معمولاً در یک جمله قابل فهم، صریح، رسا و مختصر بیان می شود که برای خواننده گویا و قابل فهم است.

در گام بعدی «اهداف جزئی یا اختصاصی تحقیق» نوشته می شود. این اهداف از تقسیم یا شکستن هدف کلی به اجزای کوچکتر بدست می آیند. اهداف جزئی راه رسیدن به هدف کلی را قدم به قدم مشخص می نماید.

اگر تنظیم اهداف به خوبی صورت پذیرد، موجب متمرکز ساختن مطالعه به جنبه های اساسی آن، و جلوگیری از جمع آوری اطلاعاتی که به آنها نیازی نیست می شود.

تنظیم اهداف برای یک مطالعه تحقیقی باید بر اساس ملاکهای مشخص صورت پذیرد که مهمترین آنها عبارتند از:

- اهداف قابل حصول باشند.
- اهداف صریح و روشن بیان شوند. هیچگونه ابهامی در هدف قابل قبول نیست باید مشخص شود که دقیقاً چه چیزی باید مشخص و اندازه گیری شود.
- اهداف باید قابل سنجش باشند. تحقیق به روش علمی بر سنجش استوار است و بیان اهداف در قالب های قابل سنجش کار مطالعه را ساده تر می سازد.

مرحله پنجم - طرح و تدوین فرضیه و یا فرضیه های تحقیق

فرضیه؛ تصویری مقدماتی در باره امری است که هنوز صراحت پیدا نکرده و بعدها در سایه تحلیل و بررسی جنبه ها، رد یا اثبات آن معلوم خواهد شد. به عبارت دیگر فرضیه؛ یک حدس علمی، مبتنی

بر شواهد است که در اثر ایجاد پیوند موقت بین دو یا چند موضوع بدست آمده و پایه ای برای بررسی های علمی و دستیابی به قوانین و اصول است. مثلاً از تعمق در جنبه های اجتماعی اعتیاد شاید این مسأله به ذهن خطور کند که عامل اصلی به وجود آمدن اعتیاد خانواده و اجتماع می باشد

مرحله ششم: مطالعه و بررسی سوابق تحقیق (پیشینه)

محقق باید بداند قبل از او، در مورد «موضوع مورد مطالعه» چه کسانی نظریه یا تحقیق دارند و چه فرضیه ها و نتایجی داشته اند. هدف از این مرحله را می توان این گونه برشمرد:

۱- عمیق تر شدن وسعت بیشتر «بیش پژوهشگر» نسبت به موضوع.

۲- مشخص شدن کارهای انجام شده توسط دیگران و کارهای انجام نشده.

۳- اطلاع از روش، مراحل و نتایج تحقیقات گذشته.

۴- نقد و تکمیل کارهای انجام شده توسط پژوهشگران قبلی به گونه ای که منجر به آغاز یا «تولید» یک فعالیت و حرکت جدید تحقیقاتی شود.

مرحله هفتم: جمع آوری اطلاعات و داده های مورد نیاز

اطلاعات را محقق از طریق ابزارهای جمع آوری اطلاعات (پرسش نامه، مصاحبه، مشاهده، تجربه و آزمایش، اسناد و مدارک) جمع می نماید. اما از آنجایی که پایه تحقیقات نظری استفاده از کتاب و کتابخانه می باشد لذا استفاده از فیش برداری مهم ترین کار یک محقق در این نوع تحقیقات می باشد. بدین شرح که؛ پژوهشگر پس از تهیه مصادر و مراجع خود، آنها را بر اساس اهمیت، رتبه بندی می نماید. و شروع به خواندن آنها می کند، مسلم است که یک انسان با حافظه متوسط نمی تواند برای مدت درازی، همه مطالب و آموخته ها را در ذهن خود نگهدارد و گاهی مطالب پس از مدتی بکلی فراموش می گردد و از آنجایی که پژوهشگر برای نوشتن بحث باید در مدت کوتاهی کتب، مقالات و نوشته های زیادی را مطالعه نماید، لازم است هنگامی که به مطالعه کتابی می پردازند مواردی که نیاز است در بحث ذکر شود، را یادداشت کرده و آن را به گونه ای مرتب نماید که هنگام نیاز بدون مراجعه به کتابهای خوانده شده، از مطالب مکتوب استفاده نمایند.

معمولاً کاغذهایی در اندازه (۷,۵ × ۱۲) یا (۱۰,۵ × ۱۵) انتخاب شده و طبق قواعد و ضوابطی خاص مطالب در آنها نوشته می شود تا هنگام نوشتن نیاز به صرف وقت زیادتر و دقت و بیشتر و مرور دوباره بر همه مطالب نباشد این قواعد را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. مطالب فقط بر روی یک طرف برگه نوشته می شود

۲. از یک برگه فقط برای یک کتاب و یک مطلب خاص استفاده می شود و در صورتی که مطلب طولانی بود از برگه ای دیگر استفاده می شود. در صورتی که مطالب بیش از یک برگه بود باید در آخر برگه شماره نوشته شود.

نویسندگان موفق برای هر قسمت از مطالب خود برگه های جداگانه تهیه می نمایند و سپس آنها را بر اساس سرفصل های تحقیق خود دسته بندی کرده تا دسترسی به مطالب با سهولت انجام گیرد.

۳. در قسمت بالای برگه عنوان تحقیق و نام منبع و تعداد جلد سال انتشار و... کامل نوشته می شود.

۴. یادداشتهای باید صحیح و کامل باشند بدین معنی که ضمن رعایت امانت علمی مطالب اضافی در یادداشت برداری ذکر نشود.

۵. در صورتی که از شیوه ضبطی غیر از نقل قول استفاده شده در برگه نوشته شود مثلاً باید یادداشتهایی که به صورت خلاصه یا با دخل و تصرف یا تفسیری نوشته شده در برگه ذکر شود.

۶. حجم فیشها به یک اندازه باشد.

مرحله هشتم: استخراج و پردازش اطلاعات (تجزیه و تحلیل)

در این مرحله پژوهشگر، اطلاعات جمع آوری شده را کنار هم قرار داده و تمام جوانب مسأله را برای دیگران روشن می سازد. در این مرحله باید پژوهشگر بتواند با استفاده از مسلماتی که جمع آوری نموده اختلافات را حل نماید یا دلیل روشن و قابل قبولی برای وجود اختلاف ذکر نماید. همچنین در نتیجه گیری ها باید ترتیب منطقی حفظ شود به این صورت که با کنار هم قرار دادن معلومات ذهن خواننده مجهولات را کشف نماید.

مرحله نهم: پاسخگویی به سؤالات تحقیق و یا آزمون فرضیه ها

در این مرحله تکلیف سؤالاها و یا فرضیه های تحقیق مشخص می شود.

مرحله دهم: نتیجه گیری نهایی و نوشتن تحقیق

پژوهشگر یافته ها و نتایج تحقیق را ارائه می دهد و براساس اصول و قواعد کتابت، تحقیق خود را مکتوب می دارد.

فصل دوم: مصادر و مراجع

قبل از اینکه بذکر مصادر و مراجع مهم بیردازیم مناسب است تعریفی در مورد این دو داشته باشیم:

گرچه برخی از علما بین مصدر و مرجع فرقی قائل نیستند، و آن دو را مترادف هم می دانند اما مصدر به هر کتابی گویند که در مورد یک علم کامل بحث کرده و این بحث به صورت عمیق و شامل است و منجر به تولید علم در آن زمینه شده.. مثلا صحیحین هر دو مصدر در حدیث به حساب می آیند یا کتاب العین مصدر در لغت است. دقت شود که محقق باید در تحقیق حتما به کتب مصدر در زمینه تحقیق خود مراجعه کند و عدم مراجعه به منزله نقص در تحقیق وی محسوب می شود.

مرجع: هر کتابی که مولف برای نوشتن آن، از کتابهای دیگر استفاده نموده یا قسمتی از یک علم را توضیح داده یا در مورد یک مساله بحث کرده، به عنوان مرجع شناخته می شود.

• لغت

در زبان عربی دو کلمه معجم و قاموس به معنای فرهنگ لغت است معجم به معنای نقطه گذاری است یا توضیح دادن یا آزمایش چیزی تا استحکامش مشخص شود و بیشتر در مورد کلماتی که برای دیگران گنگ است به کار می رود قاموس هم به معنی قعر دریا یا وسط آن یا بخش اعظم آن است و این اصطلاح بعد از اینکه فیروزآبادی فرهنگ لغت خود را القاموس المحيط نام نهاد متداول شد.

معاجم انواع مختلفی دارد ولی دو تا از مهمترین آنها عبارتند از:

۱. معاجم موضوعی یا معنوی: این نوع معجم که در ابتدا زیاد متداول بوده الفاظ را بر حسب معانی و موضوعاتشان دسته بندی می کند مثلا در ماده «نبات» تمامی اسامی نباتات و آنچه به نباتات متعلق است آورده می شود. در ابتدا لغویین کتاب خود را مخصوص یک چیز قرار می دادند که می توان به این موارد به عنوان شواهد اشاره کرد: «الصفات» و «السلح» تالیف نضر بن شمیل (ت ۲۰۳ هـ) و «النخله» و «الابل» و «الخیل» و «خلق الانسان» تالیف ابو مالک عمرو بن کرکرة (ت ۲۰۶ هـ) و «الانسان» و «الزرع» تالیف ابو عبید (ت ۲۰۹ هـ) و «المطر» و «المیاه» و «خلق الانسان» و «الشجر» تالیف ابو زید الانصاری (ت ۲۱۵ هـ) و «الخیل»

و «النبات» و «الابل» و «الشاء» و «الوحوش» و «خلق الانسان» تالیف اصمعی (ت ۲۱۶هـ) و «أسماء الخیل» و «البئر» و «الدرع» تالیف ابن الاعرابی (ت ۲۳۱هـ).
 اما کم کم مولفین دست به نوشتن کتبی زدند که تمامی معانی را جمع کند از معاجمی که به این سبک نوشته شده می توان به موارد زیر اشاره کرد:
 «الغریب المصنف» تالیف ابو عبید قاسم بن سلام (ت ۲۲۴هـ)
 «الالفاظ» یعقوب ابن اسحاق معروف به ابن السکیت (ت ۲۲۴هـ)
 «المعانی الکبیره» ابن قتیبه (ت ۲۷۶هـ)
 «المنجد» کُراع النمل (ت ۳۱۰هـ)
 «متخیر الالفاظ» ابن فارس (ت ۳۹۵هـ)
 «التلخیص فی معرفة أسماء الأشياء» ابوهلال العسکری (ت ۳۹۵هـ)
 «مبادئ اللغة» الإسکافی (ت ۴۲۱هـ)
 «فقه اللغة و سر العربیة» الثعالبی (ت ۴۲۹هـ)
 «المخصص» ابن سیده (ت ۴۵۸هـ)

۲. معجم الفاظ: این نوع فرهنگ لغت در عربی از نظر شیوه تنظیم به پنج دسته تقسیم می شوند چهار دسته اول بر شیوه های اشتقاقی است: در این شیوه کلمات بر اساس حروف اصلی و بدون در نظر گرفتن حرف زائد ترتیب بندی شده اند مثلاً کلمه اتصال را باید در مدخل وصل جستجو کرد پس باید پژوهشگر بتواند حروف اصلی کلمه را در میان حروف زائد یا بعد از اعلال و یا ابدال تشخیص دهد. البته این امر برای کسانی که در حد متوسطه عربی می دانند دشوار نیست گر چه آنقدر هم سهل به نظر نمی رسد ولی کسی که کمی از علم صرف اطلاع داشته باشد با تمرین می تواند بعد از مدت کوتاهی از این فرهنگها بدون مشکل استفاده نماید. و روش پنجم بر مبنای نطق می باشد و کلمه بر اساس عدم تجرید از حروف زائد ترتیب بندی می شود این پنج روش عبارتند از:

الف) صوتی و تقلیباتی. در این روش حروف، بر اساس مخرجشان دسته بندی میشوند به این صورت که با حروف حلقی و بعد از آن حروفی که با زبان تلفظ شده می آید سپس حروفی که با دو لب تلفظ می شود و اتمام کتاب با حروفی است که مخرجشان جوف است. همچنین کلمات در این روش با نظام تقلیباتی مورد بررسی قرار می گیرند مثلاً کلمات عبد - عدب - دعب - بعد - بدع در یک جا مورد بررسی قرار می گیرند این شیوه اولین شیوه معجم الفاظ بود که توسط خلیل ابن احمد

ابداع شد. کتب تهذیب اللغة ازهری، مختصر العین زبیدی، المحيط فی اللغة صاحب بن عباد و دو کتاب المحکم و المحيط الاعظم ابن سیده بر همین شیوه می باشند همچنین کتاب البارع تقریبا بر همین مبنا می باشد گرچه ترتیب حروف آن با العین فرق دارد

ب) الف بائی خاص. پس از رواج نظام خلیلی، ابوعمر و شیانی کتاب الحروف خود را بر مبنای الف باء قرار داد اما ظاهرا چون این شیوه تازه ابداع شده بود ترتیبی در دسته بندی کلماتی که با حرفی خاص شروع می شد وجود نداشت مثلا کلمه «کتاب» را باید در قسمت کاف جستجو کرد اما این قسمت را باید از اول تا آخر خواند تا کلمه را یافت. ابن درید که متوجه سختی این روش شد، این روش را با نظام تقلیبات خلیل در هم آمیخت و شیوه جدید الف بائی را ابداع کرد که شروع کلمات با حروف الف باء بود و در ادامه از نظام تقلیبات خلیل استفاده نمود. بعد از او ابن فارس کتاب خود را بر مبنای الف باء قرار داد اما از نظام تقلیبات خلیل پیروی نکرد بلکه برای خود نظام جدیدی ابداع کرد. کتب معجم الجیم یا کتاب الحروف - الجمهور - مجمل اللغة - معجم المقایس بر مبنای الف بائی خاص نوشته شده اند.

ج) نظام قافیه ای. در این نظام کلمات بر اساس آخرین حرف خود ترتیب بندی می شوند مثلا کلمه کتب را باید در باب «باء» فصل «کاف» جستجو کرد. کتب الصحاح - لسان العرب - القاموس المحيط - تاج العروس بر مبنای نظام قافیه ای نوشته شده اند.

د) الف بائی عادی. گرچه نمی توان کار ابن فارس را جزو این شیوه قرار داد اما بی شک او با نوشتن مقایس این شیوه را در لغت مرسوم کرد تا زمخشری در قرن ششم کتاب خود را بر این مبنا قرار دهد گرچه گروهی معتقدند این نظام توسط ابوالمعالی محمد بن تمیم برمکی (ت ۱۰۰۷م) ابداع شد آن هم هنگامی که الصحاح را بر اساس حروف الف باء عادی باز نویسی کرد. کتب اساس البلاغه - المعجم الوسیط و.. بر این روش نوشته شده اند.

به علت سهولت این روش، بسیاری از کتب گذشته بر مبنای این روش باز نویسی شده.

ه) ترتیب نطقی. در دهه های اخیر شیوه ای در فرهنگ نویسی رواج یافته که بر اساس آن کلمات بدون در نظر گرفتن حروف اصلی یا زائد بررسی می شود و مبنای کار، ظاهر کلمه است. این نوع فرهنگها مخصوص کسانی است که آشنایی چندانی با زبان عربی و علم صرف ندارند. فرهنگهای مانند «الرائد» و «المرجع» از جبران مسعود و «لاروس» از خلیل الجبر با این شیوه تنظیم شده است. البته قابل به ذکر است این نوع معجم در زمان گذشته هم در بین عرب مرسوم بوده اما مختص مفردات معینی از علوم می شده که از آنها می توان به این موارد اشاره کرد: «المقصود و الممدود»

تالیف ابوالعباس احمد بن ولاد المصری (ت ۳۳۲هـ) و «غریب القرآن» یا همان نزهة القلوب تالیف ابوبکر محمد بن عزیز السجستانی (ت ۳۳۰)

توضیح برخی از معاجم:

۱. العین: این کتاب تالیف خلیل بن احمد فراهیدی است. می‌توان گفت این کتاب اولین فرهنگ لغت زبان عربی است زیرا قبل از آن فرهنگ‌ها مختص بعضی چیزهایی بودند که تعداد صفحات آنها بسیار اندک بود. اما خلیل بن احمد با بهره‌گیری از دانش موسیقی حروف را بر اساس مخرج آنها دسته‌بندی کرد. ترتیب آن چنین است: «ع ح ه خ غ ق ک ج ش ص ض س ز ط ت ذ ث ر ل ن ف ب م و ا ی ء» این کتاب بر اساس اصل و ریشه‌ی کلمات به بابها و کتابهای مختلفی تقسیم شده و کلمات غریب و نادر عربی نیز در آن آمده. همه کسانی که بعد از خلیل آمده‌اند به نحوی از این کتاب استفاده بردند تا جایی که اگر گفته شود منهج خلیل را اساس کار خود قرار دادند سخن گزافی نباشد. بعضی حتی پا را فراتر نهاده و در مورد کتب دیگری که مولف آن کاری بیشتر از «العین» در آنان انجام داده گفته‌اند این اضافات هیچ کدام اصلی نیست بلکه اضافات ثانوی می‌باشد مثل ذکر شواهدی از قرآن و شعر و حدیث یا نسبت ابیات به قائلینش که در العین نسبت داده نشده. و اگر در معجمات بزرگ دیگری مثل لسان العرب یا تاج العروس چیزهایی است که در العین نیست به این علت است که مولفین آنان از متاخرین هستند و با کلماتی برخورد کردند که در زمان خلیل جزو کلمات فصیح نبوده.

طریقه استفاده از این کتاب:

أ) حروف اصلی کلمه از زائد جدا شود «مثلا کلمات بدیع - عقیق میشود بدع - عقق»

ب) کلمه مجرد شده را بر اساس ترتیب مخرجی قرار می‌دهیم «ع.د.ب - ع.ق.ق» که هر دو کلمه در قسمت عین جستجو می‌شوند اما در هر حرف ترتیب بر این اساس است که ابتدا کلمات ثنائی (لو) و مضاعف ثلاثی (عقق) و رباعی (زلزل) را می‌آورد سپس ثلاثی صحیح (کتب) بعد ثلاثی معتل (دعو) سپس لفیف (طوی) و در آخر رباعی و خماسی.

۲. الجمهرة تالیف ابوبکر بن درید (ت ۳۲۱هـ) همانگونه که قبلا ذکر شد این درید روش خلیل را به علت سخت بودن آن نپذیرفت و روش الف باء را اختیار کرد اما از آنجا که از نظام تقلیباتی خلیل استفاده کرد سختی آن روش کم نشد. بلکه مثل کتاب العین باید کلمه را در

بین تقلیبات آن جستجو کرد فقط ترتیب اول بر اساس الفبا است مثلاً کلمه «عبد» را باید در قسمت باء جستجو کرد چون در بین سه حرف باء از همه زود تر است.

۳. الصحاح تألیف ابونصر اسماعیل بن حماد الجوهری (ت ۳۹۳هـ) جوهری پسر خواهر فارابی است او نزد دایمی خود و ابوعلی فارسی علم آموخت. و کتابهای تاج اللغة و صحاح العربیة و عروض الورقة و المقدمه فی النحو را تألیف نمود. او در بلاد ربیعة و مضر مدتی از عمر خود را سپری کرد به قول خودش لغت را روایتاً و درایتاً تجربه کرد. جوهری منهج خود را بر اساس روش قافیه ای بنا نهاد به این ترتیب که کتاب خود را بر اساس لام الکلمه به ۲۸ باب تقسیم کرد و هر بابی را بر اساس فاء الکلمه به ۲۸ فصل تقسیم نمود که اگر بخواهیم کلمه جمع را در الصحاح جستجو کنیم باید با باب عین فصل جیم مراجعه نماییم. او در کتاب خود معمولاً به کلمات معرب، مولد و مسائل صرفی و نحوی اشاره می کند.

۴. معجم مقاییس اللغة: این کتاب تألیف ابن فارس (ت ۳۹۵هـ) می باشد او قواعد این کتاب را بر اساس الف بائی خاص خودش نوشته ابن فارس کتاش را این گونه تقسیم کرده که مواد لغوی از همزه شروع شده و به یاء ختم می شود و هر حرفی را کتاب نامیده مثلاً کتاب الدال و... برای یافتن کلمه باید حرف اول از حروف اصلی کلمه را شناسایی کرد و در کتاب مخصوص خودش دنبال آن گشت سپس وی هر کتابی را به سه باب تقسیم کرده اول ثنائی و مضاعف دوم ابواب ثلاثی الاصول و سوم ابوابی که بیش از سه حرف اصلی دارند. ابن فارس در حرف اول التزام به حروف الفبا را دارد اما بعد از حرف اول التزام ابن فارس بر ترتیب الفبای عادی نیست بلکه از نظام دوری استفاده می کند. مثلاً در کتاب الهمزة کلمات از «أبت» شروع می شوند و طبق ترتیب تا آخر می روند بعد همزه و تاء از «أتل» شروع می شود سپس به ترتیب «أتم» «أتن» «أتی» و بعد از آن «أتب» می آید. این فرهنگ معنی اصلی را از معنی ثانویه جدا کرده و از این نظر در نوع خود ابداع محسوب می شود.

۵. اساس البلاغه: این کتاب تألیف محمود بن عمر زمخشری (ت ۵۳۸هـ) است این فرهنگ شیوا دقیق و بر اساس حروف الفبا نوشته شده که این شیوهی زمخشری به عنوان الگویی برای فرهنگهای جدید قرار گرفته چه شیوهی صاحبان فرهنگهای دیگر برگرفته از شیوهی شاعران برای پیدا کردن قوافی بود اما شیوه زمخشری بر اساس حرف اول کلمه است نه حرف آخر آن. وی مجاز و کنایه را از یکدیگر جدا کرده و کاربرد هر کلمه را در شیوههای بیانی

مختلف نشان داده این کتاب مشتمل بر بیش از ۵ هزار شاهد شعری و هزاران ضرب المثل و سخنان حکمت آمیز و عبارتهای زیبای بلاغی است.

۶. لسان العرب: فرهنگ لغت لسان العرب تألیف ابن منظور (ت ۷۱۱هـ) است که یکی از مفصلترین فرهنگها به حساب می آید و کاربرد هر کلمه را در اشعار و اقوال عرب ذکر کرده ابن منظور کتاب خود را بر اساس حرف آخر کلمه و به ترتیب حروف الفبا تألیف کرده و استفاده از آن به این صورت است که باید حرف آخر کلمه را پیدا کرد و سپس به حرف اول رفت مثلاً برای یافتن معنی رسوخ باید به حرف الخاء مراجعه کرد و سپس دنبال قسمت راء گشت. البته این کتاب بر اساس شیوه جدید هم تنظیم شده که حرف اول کلمه را مبنا قرار داده اند.

۷. القاموس المحيط: این کتاب تألیف فیروزآبادی (ت ۸۱۷هـ) است. در این کتاب برای اولین بار از علائم در کتب فرهنگ استفاده شده و چون سعی بر آن شده که تمامی استعمال کلمات آورده شود و خلاصه تر از لسان العرب هم هست بسیاری از پژوهشگران از این کتاب به عنوان فرهنگ لغت مورد استفاده خود نام می برند. منهج فیروز آبادی در القاموس همان منهج جوهری در الصحاح است.

۸. تاج العروس: این کتاب تألیف زبیدی (۱۲۰۵هـ) است. او مدخلهای القاموس المحيط را مبنا قرار داده و آن را تکمیل کرده. او در این فرهنگ به کاربردهای مجازی کلمات عنایت خاصی دارد و بسیاری از کلمات عامیانه عربی هم در آن آمده. شیوه این کتاب هم مانند لسان العرب است.

۹. المنجد: این فرهنگ لغت را لوئیس معلوف (ت ۱۹۴۶م) نوشته که خانواده وی از مسیحیان سرشناس لبنان به حساب می آیند المنجد در اصل فرهنگ دانش آموزی بوده که در سال ۱۹۰۸ میلادی به چاپ رسیده ولی بعدها تعداد مدخلهای آن به تدریج گسترش یافته و در اختیار پژوهشگران قرار گرفته «فؤاد افرام البستانی» خلاصه ای از این فرهنگ را با اضافه کردن واژه ها و اصطلاحات جدید به نام منجد الطلاب به چاپ رسانده که به زبان فارسی ترجمه شده و به عنوان فرهنگ دو زبانه در اختیار افراد می باشد

۱۰. المعجم الوسیط: این فرهنگ را فرهنگستان زبان عربی قاهره در سال ۱۹۶۰ با کمک چندین کمیته که به این امر اختصاص یافته بودند تدوین کرد. این کتاب بسیاری از واژه ها و اصطلاحات علمی جدید را در بر گرفته البته برخی از کلمات عامیانه نیز در آن آمده. امتیاز

این فرهنگ به آن است که کلماتی که در عربی کهن استعمال داشته را از کلماتی که اکنون در زبان عربی رایج شده و کلمات غیر عربی که عربی شدند یا بدون دخل و تصرف استعمال می‌شوند جدا کرده.

• تفسیر و علوم قرآنی

۱. المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم (محمد فؤاد عبدالباقی ت ۱۳۸۸هـ) برای یافتن آیات قرآن می‌توان از این کتاب کمک جست.

۲. جامع البیان عن تأویل آی القرآن / معروف به تفسیر طبری (محمد بن جریر طبری ت ۳۱۰هـ) این کتاب تقریباً جزء اولین کتاب معتبری است در تفسیر به مآثور نوشته شده گرچه تفسیر بالرأی یا معقول هم در آن وجود دارد.

۳. الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل / معروف به کشاف (جارالله محمود بن عمر زمخشری ت ۵۳۸) این تفسیر از مشهورترین تفاسیر معتزله است و در تفسیر بالرأی یا معقول نوشته شده

۴. مفاتیح الغیب (امام فخر رازی ت ۶۰۶هـ) این کتاب جزو بهترین و کامل‌ترین کتابهای تفسیر به رأی می‌باشد به روش علمی را در تفسیر قرآن رعایت نموده.

۵. البحر المحیط (نوشته امام النحوی ابو حیان اندلسی ت ۷۴۵هـ) این کتاب مرجع در وجوه اعرابی آیات و اختلافات نحوی است در این کتاب قراءتهای مختلف، اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، اقوال فقهاء و مسائل بلاغی آیات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶. تفسیر القرآن العظیم / تفسیر ابن کثیر (اسماعیل بن عمرو بن کثیر ت ۷۷۴) این کتاب مشهورترین تالیف تفسیر مآثور بعد از تفسیر طبری است.

۷. التحریر و التنویر / الشیخ محمد الطاهر ابن عاشور ت ۱۳۹۴

مصادر مهم تفسیر آیات احکام را می‌توان به این ترتیب نام برد:

۱. احکام القرآن / جصاص (ت ۳۷۰هـ) مولف همه آیات را می آورد و در مورد آیات احکام توضیح می دهد. احکامی که از آیه استنباط می شود را ذکر می کند و بعضی از مسائل خلافی بین ائمه را با ادله نقل می کند

۲. احکام قرآن / منسوب به امام شافعی که بیهقی (ت ۴۵۸هـ) آن را از خلال کتب فقهی روایت شده از شافعی جمع کرده و در این کتاب اقوال دیگر علماء را مناقشه می کند

۳. احکام القرآن / ابن العربی (ت ۵۴۳) ابن العربی یک سوره از قرآن را می آورد سپس می گوید این تعداد آیات احکام در آن هست سپس آیات را یکی یکی شرح می دهد.

۴. الجامع لأحكام القرآن / محمد بن احمد انصاری (ت ۶۷۱هـ) این کتاب جامع ترین کتاب در تفسیر آیات احکام است.

علوم القرآن:

۱. البرهان فی علوم القرآن / امام بدرالدین محمد بن عبدالله الزرکشی (ت ۷۹۴هـ) این کتاب یکی از جامع ترین و مفیدترین کتابهایی است که در علوم القرآن تالیف شده. مولف مهمترین مسائل این علم را که قبل از او بوده جمع نموده و مواردی را بر آنها اضافه نموده و بسیاری از مسائلی که تا آن زمان واضح نبوده را توضیح داده،

۲. الاتقان فی علوم القرآن / جلال الدین عبدالرحمن بن ابوبکر السیوطی (ت ۹۱۱هـ) این کتاب هم یکی از کتابهای مفید و جامع در این علم به شمار می رود ایشان با استفاده از تالیفات گذشته علی الخصوص کتاب «البرهان» و اضافه نمودن مسائل مهم بر این علم توانست کتاب جامعی در این علم را تالیف نماید.

۳. مناهل العرفان فی علوم القرآن / شیخ محمد عبدالعظیم الزرقانی. در این کتاب به مسائل مهم علوم القرآن به شرح زیر پرداخته: تاریخ علوم القرآن - تنزیل قرآن - اسباب نزول - تبیین نزول قرآن علی سبعة احرف - مکی و مدنی بودن سوره ها و ظابطه های آن - جمع کردن قرآن در عهد نبوت و عهد ابوبکر الصدیق و عهد عثمان بن عفان - ترتیب سوره ها - کتابت و رسم مصحف - ترجمه قرآن و حکم آن - قراءت و قراء - تفسیر و مفسرین و مناہج تفسیر - ناسخ و منسوخ - محکم و متشابه -

اسلوب قرآن و اعجاز آن. مولف در این شبهات حول این مسائل را مطرح نموده و به آنها پاسخ مناسب داده.

۴. مباحث فی علوم القرآن/ دکتر صبحی صالح از علمای معاصر. در این کتاب مسائل مهم علوم القرآن به روش علمی مورد مدارس قرار گرفته و بعضی از اوهام و شبهه های حول قرآن و علوم قرآنی جواب داده شده.

کتابی که در مورد تفسیر و مفسرین به طور کلی بحث کند می توان به التفسیر و المفسرون نوشته محمد حسین الذهبی اشاره کرد در این کتاب بحث تفصیلی در مورد نشأت تفسیر و تطور آن و... بحث شده و فرق تفسیر و تاویل و تفسیر به زبان دیگر و شروط آن بیان شده و به توضیح چگونگی تفسیر در عهد رسول(ص) و صحابه و تابعین و... پرداخته است.

• حدیث و علوم آن

از تالیفات مشهور این علم می توان به کتب زیر اشاره کرد:

۱. الموطأ/ امام مالک (ت ۱۷۹هـ) این کتاب فقط به حدیث مرفوع پیامبر اکتفا نکرده بلکه اقوال صحابه و تابعین را هم ذکر نموده تقریباً تا قبل از ابن صلاح این کتاب به عنوان صحیح ترین کتاب در حدیث مشهور بوده اما پس از ابن صلاح صحیح بخاری مشهورترین کتاب شناخته شد.

۲. صحیح بخاری/ محمد بن اسماعیل بن ابراهیم البخاری (ت ۲۵۶هـ)

۲. صحیح مسلم/ مسلم بن حجاج النیسابوری (ت ۲۶۱هـ)

۳. سنن ابو داود/ سلیمان بن اشعث (ت ۲۷۵هـ)

۴. سنن نسائی/ احمد بن شعیب نسائی (ت ۳۰۳هـ)

۵. سنن ترمذی/ محمد بن عیسی (ت ۲۷۹هـ)

۶. سنن ابن ماجه/ محمد بن یزید (ت ۲۷۳هـ)

۷. مصنف عبدالرزاق بن همام (ت ۲۱۱هـ)

۸. مسند امام احمد بن حنبل (ت ۲۴۱هـ)

برای پیدا کردن احادیث می توان به کتاب المعجم المفهرس لألفاظ الحديث النبوی مراجعه نمود این کتاب طبق حروف الف با می باشد که با فهمیدن کلمه ای از حدیث می توان آن را طبق سه حرف اصلی کلمه پیدا کرد. کتاب دیگر در این زمینه مفتاح كنوز السنة می باشد که بر مبنای ابواب فقهی باب بندی شده و وقتی شما در یک موضوع خاص، دنبال حدیث هستید این کتاب می تواند بهترین راهنمای شما برای دست یابی به احادیث باشد. همچنین کتاب الجامع الصغير من حدیث البشیر النذیر تالیف امام جلال الدین سیوطی (ت ۹۱۱هـ) و کتاب تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف نوشته حافظ مزنی (ت ۷۴۲هـ) جزء کتب مشهوری هستند که باعث می شوند راحت تر به احادیث دست رسی پیدا کنیم.

از مهم ترین کتب در تراجم رواة و کنیه و القاب آنها می توان به کتب زیر اشاره کرد:

۱. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب / یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (ت ۴۶۳)
۲. أسد الغابة فی معرفة الصحابة / ابن اثیر (ت ۶۳۰هـ)
۳. الإصابة فی تمییز الصحابة / ابن حجر عسقلانی (ت ۸۵۲هـ)
۴. تذكرة الحفاظ / حافظ محمد بن احمد بن عثمان الذهبی (ت ۷۴۸هـ)
۵. تهذیب الكمال فی أسماء الرجال / الحافظ یوسف بن عبدالرحمن المزنی (ت ۷۴۲هـ)
۶. تهذیب التهذیب / ابن حجر عسقلانی

• اصول فقه

در علم اصول فقه اولین کتاب مکتوب موجود در قرن دوم توسط امام شافعی نوشته شد که به الرسالة مشهور است در قرن سوم کتابی که به دست ما رسیده باشد وجود ندارد. در قرن چهارم سه کتاب الفصول فی الاصول و المقدمة فی الاصول و التقریب و الارشاد نوشته شد. این علم در قرن پنجم و بعد از آن رشد زیادی یافت و کتابهای زیادی در این باره نوشته شد.

الرساله امام شافعی (متوفی ۲۰۴)

الفصول فی الاصول جصاص (متوفی ۳۷۰)

المقدمه فی الاصول ابوالحسن علی بن عمر بن القصار (متوفی ۳۹۷) قدیمی ترین کتاب اصولی مالکی التقریب و الارشاد ابوبکر الباقلانی (متوفی ۴۰۳) جزء اولین کسانی که منهج کلامی در اصول را تاسیس کرد

المعتمد فی اصول الدین ابوالحسین البصری محمد بن علی بن طیب (متوفی ۴۳۶)
العدّة فی اصول الفقه قاضی ابو یعلی محمد بن الحسین الفراء (متوفی ۴۵۸) اولین کتاب معتبر اصولی در مذهب حنابله

• فقه

الف) مذهب شافعی

کتابهایی که از امام شافعی به جا مانده چهار تا هستند «الأم - الإملاء - مختصر بویطی - مختصر مزنی» دو کتاب آخری را از این جهت به امام شافعی نسبت داده اند چون معانی چیزهایی که نوشته شده از امام شافعی است.

کتاب هایی که مدار مذهب شافعی بر آن می گردد پنج تا هستند

۱. مختصر مزنی ۲. المهذب شیرازی ۳. التنبیه شیرازی ۴. الوسیط غزالی ۵. الوجیز غزالی
محققین اجماع دارند آنچه رافعی و نووی در مورد آن اتفاق دارند مورد اعتماد در مذهب است

در صورتی که این دو با هم اختلاف داشته باشند و هیچ مرجحی نباشد یا دلیل هر دو مساوی باشد معتمد قول نووی است و اگر مرجح بود قول معتمد قول کسی است که مرجح دارد.

اگر نووی و رافعی در مورد قولی صحبت نکردند معتمد در مذهب آن است که ابن حجر و الرملی ترجیح داده اند

کتابهای ابن حجر به ترتیب عبارتند از: ۱. تحفة المحتاج ۲. فتح الجواد ۳. الإمداد ۴. شرح العباب ۵. فتاوی ابن حجر

امام الحرمین چهار کتاب به جا مانده از شافعی را در کتابی به نام «النهاية المطلب فی درایة المذهب» مختصر کرد. گر چه گفته شده این کتاب شرح مختصر مزنی است.

امام غزالی کتاب استادش «النهاية» را در کتابی به نام «الوسیط» خلاصه کرد و کتاب البسیط خودش را هم خلاصه کرد و نام آن را «الوسیط» نهاد این کتاب را هم خلاصه کرد و نام آن را «الوجیز» گذاشت این کتاب را هم خلاصه کرد و نام آن را «الخلاصة» گذاشت.

امام رافعی الوجیز را مختصر نمود و نام آن را «المحرر» نهاد سپس امام نووی این کتاب را خلاصه نمود و نام آن را «منهاج الطالبین» گذاشت شیخ الاسلام زکریا الانصاری منهاج را مختصر نمود و آن را «منهج الطلاب» نامید. جوهری هم المنهج را خلاصه نمود و نام آن را «النهج» گذاشت.

امام رافعی کتاب الوجیز امام غزالی را در دو کتاب ۱. شرح صغیر ۲. شرح کبیر که نام آن را «العزیز» نهاد شرح داده.

یکی از کتب مشهور «مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج» نوشته محمد شربینی است که شرح منهاج الطالبین می باشد همچنین دو کتاب «تحفة المحتاج/ابن حجر الهیتمی» و «نهاية المحتاج/ ابن الشهاب الرملى(ت۱۰۰۴هـ)» از جمله کتب مهمی است که حول کتب امام نووی و رافعی نوشته شده.

امام نووی کتاب العزیز را خلاصه کرده و نام آن را «روضۃ الطالبین و عمدة الفتین» گذاشت سپس شیخ شرف الدین اسماعیل بن مقری کتاب روضة را مختصر نمود و نام آن را «روض الطالب» گذاشت و شیخ الاسلام زکریا الانصاری آن را شرح داده و نام آن را «اسنی المطالب» گذاشت.

ب) مذهب حنفی

۱. المبسوط / محمد بن احمد بن سهل سرخسی (ت ۴۸۳هـ) این کتاب شرح کتاب «الکافی» نوشته محمد بن محمد مروزی است. منهج مؤلف به این شکل است که ابتدا مسأله مطرح می شود و بر مذهب ابو حنیفه در مورد آن استدلال می شود سپس آراء دیگر مذاهب و ادله آنها آورده می شود که اکثراً مذهب شافعی و مالک است و گاهی اقوال مذهب حنبلی و ظاهری هم آورده می شود سرخسی بعد از مناقشه نتیجه گیری می کند و گاهی اوقات مذهب غیر احناف را ترجیح می دهد.

۲. تحفة الفقهاء / محمد بن احمد سمرقندی (ت ۵۴۰هـ)

۳. بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع / ابوبکر بن مسعود بن احمد کاشانی (ت ۵۸۷هـ) ایشان یکی از فقهای بزرگ حنفیه در زمان خود بوده. ایشان ملقب به ملک العلماء شده این کتاب شرح کتاب تحفة الفقهاء سمرقندی است و از جامع ترین و روان ترین کتاب های فقه احناف به شمار می رود.

۴. رد المحتار علی الدر المختار علی متن تویر الأبصار / محمد امین بن عمر عابدین (ت ۱۲۵۲هـ) ایشان امام احناف در عصر خود بودند این کتاب معروف به حاشیه ابن عابدین است مولف نتوانست آن را تمام کند لذا فرزندش محمد علاء الدین آن را تکمیل نمود و آن را «قرة عیون الاخبار لتکملة رد المحتار» نام نهاد.

ج) مذهب مالکی

۱. المدونة الكبرى / امام مالک بن انس (ت ۱۷۹هـ) این کتاب روایت سحنون از عبدالرحمن بن قاسم از امام مالک است. در این کتاب سحنون از عبدالرحمن بن قاسم سوال می کند و او هم آنچه از امام مالک شنیده در مورد موضوع نقل می کند و اگر هم چیزی از مالک نشنیده خودش جواب می دهد و ذکر می کند که جواب خودش است

۲. الذخيرة / شهاب الدین احمد بن ادريس القرافی (ت ۵۹۵هـ) در این کتاب احکام فقهی و ادله آنها از کتاب و سنت و آثار ذکر شده و اقوال فقهی را به صاحبانش نسبت داده.

۳. مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل / محمد بن محمد المغربي (ت ۹۵۴هـ) در این کتاب مولف به شرح کتاب مختصر علامه خلیل بن اسحاق بن موسی (متوفای ۷۶۷هـ) پرداخته

۴. الشرح الكبير علی مختصر خلیل / احمد بن محمد بن احمد العدوی مشهور به دردییر (ت ۱۲۰۱هـ)

د) مذهب حنابله

۱. المغنی / عبدالله ابن احمد معروف به ابن قدامه (ت ۶۲۰هـ) این کتاب شرح مختصر خرّقی می باشد که علاوه بر شرح کتاب مذاهب فقهاء ثلاثه و صحابه و سلف را هم ذکر می کند

۲. الشرح الكبير على متن المقنع/عبدالرحمن ابن قدامه(ت۶۸۲هـ)

۳. فتاوى الكبرى / ابن تيميه(ت۷۲۸هـ)

۴. كشاف القناع على متن الإقناع/ منصور بن يونس بهوتى(ت ۱۰۵۱هـ)

هـ) ساير مذاهب

ظاهريه: المحلى بالآثار/ على بن محمد بن حزم.

زيديه: المجموع الفقهي / زيد بن على(ت۱۲۲هـ) - البحر الزاخر الجامع لمذهب علماء الأمصار/احمد

بن يحيى المرتضى(ت۸۴۰هـ) - الروض النضير شرح مجموع الفقه الكبير/ حسين احمد

السياغى(۱۲۲۱هـ)

اباضيه: شرح النيل و شفاء العليل / محمد بن يوسف اطفيش (ت ۱۳۳۲هـ)

اماميه: الهداية و المقنع/ هر دو تاليف شيخ صدوق (ت۳۸۱هـ) - المبسوط فى فقه الامامية/محمد بن

حسن بن على طوسى(ت۴۶۰هـ) - جواهر الكلام/ محمد حسن نجفى(ت۱۳۲۲هـ)

• عقیده و فرق:

علما در مورد ايمان و ارکان آن و اسماء و صفات خداوند، همچنين در مورد اصول فرق اسلامى و بيان اعتقاداتى آنها و نقد يا دفاع از مکاتب اعتقادى، کتب زيادى تاليف نموده اند که مختصرا بر خى از آنان را ذکر مى کنيم:

۱. الإبانة عن أصول الديانة/ابوالحسن اشعري

۲. الانصاف فيما يجب اعتقاده و لا يجوز الجهل به/ ابوبکر باقلانى

۳. تثبيت دلائل النبوة و كتاب شرح الأصول الخمسة/قاضى عبدالجار بن احمد همدانى. اين كتاب

شرح اصول خمسہ بر مبنای اعتقاد معتزله است که به شرح اصولى مى پردازد که به نظر ايشان برآى

اينکه یک نفر بتواند خود را معتزلى بداند بايد اين موارد را قبول نمايد که اين موارد عبارتند از:

توحيد، وعد، وعيد، منزلة بين المنزلتين، امر به معروف و نهى از منکر

همچنين قاضى عبدالجبار كتاب ديگرى دارد به اسم - المغنى - که در قسمتهايى از اين كتاب به

بحث عقیده مى پردازد.

۴. الفرق بين الفرق/ابو منصور عبدالقاهر بن طاهر بغدادى اين كتاب توسط محيى الدين عبدالحميد

تحقيق شده

۵. الفصل فی ملل الأهواء و النحل/ابومحمد علی بن حزم اندلسی در این کتاب اصول اعتقادی ادیان دیگر و فرق اسلامی ذکر شده و آراء آنها را مناقشه نموده و آراء باطله را رد نموده در این کتاب در مورد توحید، صفات، قضا و قدر و قرآن و اعجاز قرآن توضیح داده شده.

۶. العقیة السلفية مشهور به عقیة الطحاویة/ابوجعفر احمد بن محمد طحاوی. شروح مختلفی بر این کتاب نوشته شده که یکی از معتبرترین آنها کتاب شرح الطحاویة فی العقیة السلفية تالیف قاضی علی بن علی بن محمد است. این کتاب توسط شیخ احمد محمد شاکر تحقیق شده و همچنین احادیث آن توسط شیخ محمدناصرالدین الالبانی تخریح شده.

۷. عقائد النسفية/عمر بن محمد نسفی این کتاب در مورد عقیده اشاعره است و شرح های زیادی دارد که می توان از مهمترین آنها شرح تفتازانی و محمد بن الفرس را نام برد

۸. مجموعة التوحید النجدية/محمد بن عبدالوهاب. این مجموعه شامل چند کتاب شیخ محمد بن عبدالوهاب و برخی رسائل می باشد. در این مجموعه کتاب «التوحید الذی هو حق الله علی العیید» و «کشف الشبهات» و چندین رساله می باشد.

۹. العقائد الإسلامية/سید سابق از علمای معاصر - رحمه الله - است در این کتاب به مفهوم اسلام و ایمان، شناخت خدا و صفات خدا، حقیقت ایمان و ثمره آن، قدر، ملائکه، جن، کتب آسمانی، رسل، روح، نشانه های قیامت، حساب، بهشت و جهنم پرداخته شده

۱۰. المذاهب الاسلامية/محمد ابوزهره. در این کتاب اسباب اختلاف و تشعب مذاهب، چگونگی شکل گیری آنها و اثر اختلافات مذهبی بیان شده و این مذاهب به سه قسمت سیاسی و اعتقادی و فقهی تقسیم شده. همچنین در این کتاب به مقاصد احکام پرداخته شده و حقیقت اجتهاد و مراتب آن و مراتب مجتهدین ذکر شده و در مورد ائمه اربعه، مذهب ظاهری، امام ابن تیمیه و زندگی ایشان، امام زید بن علی و فقه و مذهبشان همچنین در مورد امام جعفر صادق و فقه و مذهب ایشان توضیح داده شده

۱۱. العقیة الإسلامية و أسسها/عبدالرحمن حبنکة الميدانی

• تاریخ

۱. تاریخ الامم و الملوك/ابوجعفر محمد بن جریر طبری این کتاب بر اساس تاریخ و سال به سال است به این شرح که در هر سال حوادث و رجال تولد و وفات آنها پرداخته اول کتاب در مورد چگونگی خلقت زمین و آدم و پیامبران است و در ادامه سیرت رسول الله(صلی الله علیه و سلم) و تاریخ صدر اسلام و دولت اموی و عباسی تا سال ۳۰۲ نوشته شده

۲. الكامل فی التاریخ / عزالدین علی بن ابی الاکرم مشهور به ابن اثیر. این کتاب که مسائل تاریخ را تا سال ۶۲۸ نوشته به عنوان یکی از مهمترین مصادر تاریخ اسلامی است خصوصا در مورد حوادث جنگهای صلیبی که قسمتی از این جنگها در عصر ایشان اتفاق افتاده و ایشان این موارد را نقل نموده

۳. تاریخ الاسلام و طبقات مشاهیر و الأعلام / حافظ محمد بن احمد بن عثمان الذهبی. مولف کتاب خود را به صورت سال به حساب سال نوشته و در هر سال حوادث را نوشته و در مورد مشاهیر و اعلام بر حسب سال وفات آنها توضیح داده و آنها را بر حسب طبقات تقسیم کرده و هر طبقه را بر اساس حروف الف با تقسیم کرده.

۴. البداية و النهاية / حافظ ابوالفداء عماد الدین اسماعیل ابن کثیر

۵. تاریخ الاسلام السیاسی و الدینی و الثقافی و الاجتماعی / دکتر حسن ابراهیم حسن. این کتاب از موجزترین و جامع ترین کتب تاریخ اسلامی است که از بعثت رسول شروع شده و تا سقوط دولت عباسی به دست تاتار در سال ۶۵۶ ادامه دارد.

فصل سوم: مقالات

مقاله نوشتاری کوتاه از یک تا ۳۰ صفحه یا فصلی از کتاب است که نویسنده در آن دیدگاه، یافته‌ها و تجربه‌های ذهنی خود را درباره یک موضوع به بحث می‌گذارد.

امروزه کمیت و کیفیت مقالات و مجلات علمی منتشر شده در یک کشور به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی و اعتبار علمی آن کشور در سطح بین‌المللی به حساب می‌آید. پس یکی از عوامل اصلی پیشرفت هر کشور میزان تولید و تأثیر انتشارات علمی آن کشور است و اصلی‌ترین و مهمترین شیوه ارائه نتایج یک مطالعه و تحقیق، تهیه مقاله پژوهشی است. محقق در صحنه تولید و انتشار علمی موفق است که بتواند نتایج پژوهش خود را در مجلات معتبر پژوهشی به چاپ برساند. از آنجا که نوشتن صحیح و مناسب یک مقاله یک رکن اساسی برای چاپ مقالات علمی میباشد، در اینجا سعی شده است که به بررسی روش‌های صحیح نگارش مقالات پژوهشی پرداخته شود.

انواع مقاله

اگر چه مقاله‌ها انواع گسترده و گوناگونی از نوشته‌ها را در بر می‌گیرند، اما به طور کلی می‌توان آن‌ها را به سه نوع تقسیم کرد که هر کدام زیر مجموعه‌هایی دارند:

الف) مقاله علمی - پژوهشی:

هر تولیدی که به دنبال جستجوی حقایق و برای کشف بخشی از معارف و نشر آن در میان مردم و به قصد حل مشکلی یا بیان اندیشه‌ای در موضوعی از موضوع‌های علمی، از طریق مطالعه‌ای نظامند، برای یافتن روابط اجتماعی میان پدیده‌های طبیعی به دست آید و از دو خصلت اصالت و ابداع برخوردار باشد و نتایج آن‌ها به کاربردها، روش‌ها و مفاهیم و مشاهدات جدید در زمینه علمی با هدف پیشبرد مرزهای علمی و فن‌آوری منجر گردد. علمی - پژوهشی قلمداد می‌شود. مخاطبین اصلی این گونه مقالات پژوهشی، اساتید دانشگاه‌ها، دانشجویان دوره دکتری و کارشناسی ارشد، پژوهشگران شاغل در مراکز علمی، تحقیقاتی و تولیدی هستند.

مقاله علمی و پژوهشی از چند ویژگی برخوردار است:

- با استدلال و تحلیل است.
- تعاریف و اصطلاحات مخصوص دارد.
- حتما باید به زبان معیار (رسمی) باشد.
- دارای مقدمه و نتیجه است.
- در آن نظریه‌ها مطرح می‌شود.
- معیارهای منطقی توجه می‌شود.

- از صنایع ادبی بسیار کم و به ندرت استفاده می شود.
- رسا، گویا و به زبان ساده و روان است.

ب) مقاله علمی – مروری:

مقاله ای است که به یک زمینه تخصصی یا به یک مساله کاملاً تخصصی در سطح جهان می پردازد. نویسندگانش مقاله ای باید خودش در آن زمینه یا آن مسئله متخصص باشد و تحقیقاتی در آن زمینه منتشر کرده باشد. نویسنده مقاله علمی – مروری معمولاً از متخصصان ارشد بین المللی است.

ج) مقاله علمی – ترویجی:

به مقالاتی گفته می شود که به ترویج یکی از رشته های علوم می پردازد و سطح آگاهی ها و دانش خواننده را ارتقاء می بخشد و او را با مفاهیم جدید علمی آشنا می سازد. اصولاً مقالات ترویجی فقط برای اشاعه دانش بشری و عالمانه کردن آن و جهان پیرامونی آن است و هدف دیگری ندارد. معمولاً نویسنده این گونه مقالات علاوه بر تخصص بالا در رشته خود باید توانایی بیان مطالب را به زبان غیر فنی داشته باشد. این نوع مقالات دستاوردهای علمی – فنی و حرفه ای آموزنده و جالب را به زبانی کمتر فنی برای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، دانش آموزان سال های بالای دبیرستان ها، صنعتگران، مخترعین، مبتکرین و افراد غیر متخصص در آن رشته، ارائه می دهند.

ساختار مقاله نویسی

یک مقاله از بخش های مختلفی شامل موارد زیر تشکیل می شود:

- عنوان، نام و مشخصات نویسنده یا نویسندگان
- چکیده
- کلیدواژه ها
- مقدمه
- مبانی نظری تحقیق
- روش تحقیق
- یافته های تحقیق
- متن مقاله
- فهرست منابع یا کتابشناسی

توضیح ساختار مقاله:

۱. عنوان و نام نویسنده:

اولین بخش یک مقاله عنوان است که باید اشتراکاتی با موضوع اصلی تحقیق داشته باشد و به شکلی جذاب جمله‌بندی شده باشد. عنوان یا تیتر مناسب یکی از شاخصه های جذاب خواننده می باشد. نکات زیر در انتخاب عنوان مقاله قابل توجه هستند:

- عنوان مقاله حتی الامکان باید کوتاه، دقیق و رسا بوده و از به کار بردن اصطلاحات ناآشنا یا اختصاری خودداری شود.
- عنوان باید جامع و مانع باشد، یعنی دقیقاً موضوع را مشخص کند، حد و مرز مشخص داشته باشد و نویسنده نیز در طول مقاله از حد و مرز عنوان خارج نشده و از حاشیه روی پرهیز نماید.
- عنوان نو و جذاب باشد (از عنوان های کلیشه ای استفاده نکنید).
- * نکته : در نوگرایی نباید افراط کرد. باید از واژه هایی استفاده کنیم که با موضوع هماهنگی داشته باشد.
- به طور معمول (نه همیشه) و در نام‌گذاری اکثر تحقیق ها این نکات در نظر گرفته می شود: چه چیزی را میخواهیم بررسی کنیم، در چه جامعه ای، در کجا و در چه زمانی.
- عنوان باید «فاقد پیش داوری» باشد. و هیچ گاه نباید در عنوان مقاله نتیجه پژوهش را به صورت ثابت شده ذکر نمود.

باید بعد از عنوان مقاله، اسامی نویسندگان و همکارانی که در مطالعه شرکت داشته اند بطور کامل ذکر شود. همچنین نویسنده اصلی که مسئول ارتباط با خوانندگان است باید مشخص شده و آدرس کامل (ایمیل) وی در اختیار خوانندگان قرار گیرد.

۲. چکیده:

پس از عنوان، بیشتر از سایر بخشهای یک مقاله خوانده میشود و در چکیده قسمت های مختلف مقاله شامل مقدمه، اهداف، روشها و نتایج تحقیق بصورت خلاصه ذکر می شود. متن بسیاری از مقاله ها به طور کامل در دسترس ما نیست و گاهی فرصت برای خواندن تمام مقاله نداریم و از این رو چکیده مقاله اهمیت زیادی دارد. در اکثر مجلات تعداد کلمات چکیده ۱۵۰ تا ۲۵۰ کلمه محدود است.

۳. کلید واژه یا واژگان کلیدی:

هر مقاله باید شامل واژه های کلیدی باشد که در ابتدای مقاله تعریف می شوند. واژگان کلیدی شامل واژه هایی است که خواننده قبل از مطالعه باید با آنها آشنایی داشته باشد. به طور معمول تعداد این واژه ها حدود ۶-۵ کلمه در نظر گرفته می شود. واژگان

کلیدی یک مقاله می تواند حداکثر ده واژه باشد که باید با مراجعه به کتب اصلی لغوی و اصطلاحی در حد کوتاه معنا شوند. معنای ارائه شده برای هر واژه باید نهایتاً چند سطر باشد چرا که تعاریف مقاله و تحقیق کاملاً متفاوتند. در تحقیق همه ابعاد یک واژه معنا می شوند اما در مقاله به همان بعدی اشاره می شود که مستقیماً مربوط به محتوای مقاله است. با ذکر واژه های کلیدی در سایت های علمی می توان به دنبال مقاله نیز گشت.

۴. مقدمه:

مقدمه یک مقاله پژوهشی ضمن بیان مسئله و تشریح موضوع به این مسئله پاسخ میدهد که ارزش مطالعه حاضر برای انجام آن چه بوده است. در حقیقت با مطالعه مقدمه یک مقاله پژوهشی، خواننده با مسئله تحقیق آشنا شده و ضرورت انجام پژوهش را درک میکند. متن مقدمه باید روان باشد و حتی الامکان به صورت خلاصه و حداکثر در ۲ صفحه تایپ شود.

۵. مبانی نظری تحقیق

ادبیات تحقیق یا مبانی نظری، به تشریح مفاهیم، تعاریف و تاریخچه موضوع تحقیق می پردازد. نویسنده مقاله باید بر ادبیات تحقیق مسلط بوده و مبانی نظری موضوع تحقیق خود را به طور مختصر ولی کاربردی بیان نماید. مبانی نظری تحقیق باید با استناد و ارجاع علمی آورده شود. یک مقاله خوب باید بخش مبانی نظری قابل قبولی داشته باشد.

۶. روش تحقیق

در این قسمت از مقاله چگونگی و روش انجام پژوهش توضیح داده می شود. همچنین نمونه های مورد بررسی، چگونگی نمونه گیری، جامعه هدف، مراحل اجرایی پژوهش و نحوه تجزیه و تحلیل داده ها ذکر می شود. در این قسمت در مورد تغییر بیشتر بحث شده و روش اندازه گیری و میزان دقت و چگونگی کنترل آنها بیان می شود.

۷. یافته های تحقیق

در این قسمت نتایج بدست آمده از پژوهش ذکر می شود. نتایجی کلیدی مطالعه باید با کلمات روان و دقیق و بدون بزرگ نمایی ذکر شود. از روش های مختلفی برای ارائه نتایج استفاده می شود. استفاده از اعداد، جداول و نمودارها کمک ارزنده ای به ارائه مطلب بطور ساده تر می نماید اما لازم است داده های جداول و نمودارها به طور کامل تشریح شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در مواردی که از روش ها و آزمون های آماری برای بررسی نتایج و تحلیل داده ها استفاده شده باشد، باید نوع آن نیز ذکر شود.

۸. متن مقاله

متن مقاله باید حول یک موضوع مشخص نوشته شود. نباید مرتب از این شاخه به آن شاخه پرید و خواننده را در میان داده های متفاوت و بی ربط سرگردان کرد. مقاله با تحقیق و رساله علمی متفاوت است لذا نباید شامل بخش و فصل باشد. بلکه باید تیتر اصلی (عنوان مقاله) و میان تیتر داشته باشد. میان تیترها، بخش های مختلف مقاله را از یکدیگر تمیز می دهند. میان تیترها باید در راستای تیتر و عنوان اصلی مقاله باشد و ابعاد آن را مورد بررسی قرار دهد. در این قسمت به تفسیر نتایج ارائه

شده می پردازیم. همچنین می توان به مقایسه نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر با نتایج سایر مطالعه ها پرداخت و با توجه به مجموعه شواهد نتیجه گیری نمود. در صورت لزوم می توان پیشنهادهایی برای انجام مطالعات بهتر و کامل تر در آینده ارائه داد.

نکته های مهم در نگارش متن:

الف) رعایت شیوایی و رسایی در مقاله: شیوایی مقاله در گرو ساده نویسی است. باید تلاش شود از جملات رسا، گویا و در حد امکان کوتاه استفاده شود.

ب) رعایت انسجام: یکی از مهم ترین ویژگی های هر مقاله است که به تمامی بخش های یک نوشتار باز می گردد. کلمات و جملات در یک مقاله درست، مانند حلقه های زنجیر به یکدیگر بسته اند. نویسنده باید با هنر نویسندگی و قدرت استدلال خود، موضوع را پیروراند و خواننده را به نتیجه دلخواه برساند. هر گونه آشفتگی و پراکندگی در ساختار مقاله و جملات، نویسنده را در موفقیت ناکام خواهد نمود.

ج) رعایت حجم مقاله: مقاله بهتر است رسانه ای و مطبوعاتی باشد یعنی بیشترین حجم اطلاعات را در کمترین زمان ممکن بیان کند، از حاشیه روی پرهیز نماید و حجم مطالب را کنترل کند.

د) توازن بخش های مختلف نوشته را حفظ کنید. نباید که به یک بخش بیش از بقیه بها دهید و سایر بخش ها را مورد غفلت و کم لطفی قرار دهید.

ه) سبک نگارش را تا آخر حفظ نمایید.

و) سطح مخاطب (خواننده) را در نظر بگیرید (تحصیلات، سن، طبقه اجتماعی، جهان بینی و ...).

ز) ملاحظات دستوری در جملات و شماره گذاری و علائم سجاوندی (ویرایش ادبی) را رعایت کنید.

ح) به ویرایش علمی (منطقی و علمی بودن مباحث و صحت مطالب) توجه داشته باشید.

ط) تناسب تیتر و متن، ارجاع دقیق، استفاده از منابع معتبر و .. را فراموش نکنید.

ی) رعایت موارد ضروری در پاراگراف بندی:

- هر پاراگراف فقط یک هسته (مهمترین و بنیادی ترین جمله) دارد.
- شروع هر پاراگراف با کمی فاصله از ابتدای سطر نوشته می شود.
- پاراگراف نباید خیلی طولانی باشد.
- مطلبی که در یک پاراگراف بیان می شود نباید در پاراگراف دیگر تکرار شود. (مگر ضرورت داشته باشد).
- میان پاراگراف ها باید پیوستگی کامل باشد تا رشته کار از دست رود.
- هر پاراگراف باید کامل باشد یعنی اندیشه اصلی پاراگراف در آن به خوبی پیروانده شود.
- هر پاراگراف باید جنبه ای از مطلب اصلی (موضوع) را در خود گنجانده باشد.

○ پاراگراف باید دارای نظم و آراستگی منطقی باشد.

۹. نتیجه گیری :

هر مقاله با هدف رساندن یک پیام نوشته می شود . ممکن است نویسنده پیام مقاله را در ابتدا بیاورد و سپس به استدلال بپردازد . ممکن است نتیجه گیری در پایان مقاله و پس از بهره گیری از دلایل مختلف آورده شود و حتی ممکن است نویسنده با مهارت تمام ، منظور خود را در لابه لای پاراگراف های مطلب بگنجانند . اما به هر صورت مقاله باید دارای نتیجه گیری باشد. تفاوت مهم مقاله و یادداشت همین جاست ؛ زیرا در یادداشت لزوماً نتیجه گیری خاصی وجود ندارد بلکه بیشتر تذکر و یاد آوری یک موضوع مد نظر است.

۱۰. فهرست منابع:

در پایان لازم است کلیه منابعی که در تحقیق مورد استفاده قرار گرفته اند، به شیوه ای مطلوب ذکر شوند. شیوه نگارش منابع در نشریات مختلف متفاوت است و بهتر است از راهنمایی این نشریات و شرایط نگارش مقالات کمک بگیریم. چند نکته اساسی در ارسال مقالات به نشریات علمی

به یاد داشته باشید که قبل از ارسال چکیده مقاله خود به یک مجله، ابتدا فرم نحوه نگارش مقاله را از آن مجله دریافت نموده و چکیده خود را در قالب آن فرم تهیه و تایپ نمایید (به عنوان مثال تعداد کلمات، فونت، تعداد خطوط، فاصله خطوط از کناره های صفحه و...)

دلایل عدم پذیرش چکیده یک مقاله در نشریات علمی عبارتند از:

(۱) ابهام در موضوع مقاله و وجود تعداد زیاد مقالات مشابه پیشین

(۲) عدم تبیین زمینه اصلی تحقیق

(۳) نمونه گیری نامناسب

(۴) عدم رعایت اصول مقاله نویسی مورد نظر نشریه

(۵) عدم ذکر صحیح ارقام آماری

(۶) فقدان بحث و پرداختن به نتایج

(۷) چکیده های خیلی کوتاه و خیلی زیاد

(۸) بی دقتی در تهیه متن (غلط تایپی ، اشتباهات متن)

(۹) عدم ارتباط موضوع مقاله با رویکرد نشریه

حجم مقاله:

گرچه در تعریف مقاله حجم آن را مشخص نمودیم اما بطور کلی حجم مقاله به موارد زیر بستگی دارد:

الف) موضوع مقاله

ب) سطح مخاطب

ج) مکان نشر مقاله.

مراحل نگارش مقاله:

نگارش مقاله شامل مراحل زیر است:

۱. یافتن موضوع

۲. تفکر درباره موضوع و تنظیم طرح

۳. یادداشت برداری از منابع

۴. تنظیم و اصلاح یادداشت ها

۵. تهیه متن نهایی مقاله

۶. تعیین عنوان

خلاصه نویسی

خلاصه نویسی یک مقاله میتواند به دو روش انجام گیرد.

۱. توسط مولف: در این نوع از چکیده نویسی، مولف با توجه به تمام محتوای مقاله، تیترها و میان تیترها ی آن، شمایل علمی از کل مقاله ترسیم می کند که مشتمل بر محتوای اصلی مقاله، نتایج مهم آن و همه آن چیزی است که مولف به خاطر آن به نوشتن این مقاله پرداخته است. مخاطب با مطالعه چکیده مولف باید از محتوای اصلی مقاله، هدف و نتایج آن آگاه شود.

۲. توسط دیگری: با حذف مطالب زاید به ترتیبی که کلمات و عبارات اصلی متن و مفاهیم محوری نویسنده تا حد امکان حفظ شود. این روش بیش تر در کوتاه کردن مقالات و سخنرانی ها برای درج در روزنامه ها یا نشر در سایر وسایل ارتباط جمعی به کار می رود.

یکی از شرایط خلاصه نویسی یا تلخیص در هر نوشته ای، رعایت امانت است و این مهم با به کار بردن روش نخست امکان پذیر است. مشکلی که اغلب نویسندگان تازه کار با آن روبه رو می شوند این است که اغلب «خلاصه نویسی» را با «ساده نویسی» یکی می دانند. این گونه نویسندگان باید بدانند که ساده نویسی: بیان ساده تر مطالب پیچیده است. به عنوان مثال اگر نویسنده ای یک مقاله علمی را برای کسانی که در زمینه مباحث آن علم آگاهی را ندارند بازنویسی کند، به گونه ای که برای خوانندگان قابل فهم باشد، در واقع ساده نویسی کرده است. در این صورت ممکن است نویسنده حتی از برخی نکته های اصلی صرف نظر کرده و یافرمول ها و معادله ها یا اصطلاح ها را ذکر نکند.

حذف کردن نکته های اصلی در همه مطالب ، صحیح نیست و این اصل را تنها در ساده کردن مطالب می توان به کار برد نه در خلاصه نویسی یا مقاله ای که برای افراد آگاه یا مقام های بالاتر تنظیم می شود . توصیه می گردد برای خلاصه کردن مطالب های بلند نکات زیر را رعایت شود:

أ) ابتدا متن را به دقت بخوانید و سعی کنید مفاهیم اصلی آن را پیدا کنید؛ زیرا این مفاهیم خط بکشید.
ب) در حین قرائت متن؛ کلمات مترادف ، متشابه و هم معنی را حذف کنید زیرا یکی از این کلمات میتواند رساننده ی معنی و پیام نویسنده به خواننده باشد و ارائه صفت طولی از این کلمات ، آزار دهنده ذهن و روح خواننده خواهد بود.
ج) مطالب فرعی را که جنبه توصیفی یا تمثیلی دارند و برای تفهیم بیشتر خواننده آمده است و به موضوع اصلی مربوط نیست حذف کنید.

د) جمله های معترضه و تفسیری را که عدم وجودشان آسیبی به درک مطالب وارد نمی کند ، حذف کنید.
در برخی از موارد می توانید با رعایت همین چهار نکته ، متن مفصلی را تا میزان یک دهم آن خلاصه کنید و به یاری خواننده بشتابید تا در درک مفهوم و معنی بندها و جملات نوشتار آسودگی یابد و از خواندن متن لذت برند.
نویسندگان حرفه ای ، با ابتکار و ذوق سرشاری که دارند ممکن است برخی از این نکات را هم نادیده بگیرند و خلاصه نویسی را هم رعایت نکنند. آن چه در خلاصه نویسی اهمیت دارد، حفظ اصالت متن و خودداری از دگرگونی مطلب است .

فصل چهارم: ساختار و ضوابط بحث در معهد عالی (دوره لیسانس)

هدف از بحث و تحقیق در قسمت لیسانس رسیدن به یک سری اهداف علمی است که موجب رشد و بالندگی طلاب در مسیر نویسندگی محققانه می‌شود. طالب در این مرحله باید بتواند با نقل درست از مصادر و مراجع، و ادای امانت علمی، موضوعاتی که در یک زمینه وجود دارد را به هم ربط داده و گاهی اوقات ادله و اقوال را با هم مقایسه کرده از راه مناقشه‌ی اقوال، رأی راجح را برگزیند تا قوت ترجیح طالب و چگونگی ترجیح او برای مناقش مشخص شود.

از آنجا که احتمال دارد در این مرحله باحث به خاطر بی تجربه بودن دچار اشتباهات فاحش شود یا از اصول بحث علمی فاصله بگیرد معاهد علمی برای هر باحث یا محقق، یک یا دو استاد جهت راهنمایی و اشراف تعیین می‌کنند، تا باحث بتواند تحت نظر و اشراف آن استاد از بی راهه رفتن مصون بماند.

بنابراین نیاز است که برای بهتر انجام شدن این مهم، طلاب و اساتید از وظایف و واجباتی که متوجه مشرفین بحث است اطلاع یابند.

وظایف طلاب و مشرفین:

همان گونه که قبلاً ذکر شد، هدف از بحث و تحقیق در دوره لیسانس، رسیدن به یک سری اهداف علمی است که موجب رشد و بالندگی طلاب در مسیر نویسندگی محققانه می‌شود. طالب العلم در این مرحله باید بتواند با نقل درست و ادای امانت علمی، موضوعاتی که در یک زمینه وجود دارد را به هم ربط داده و گاهی اوقات ادله و اقوال را با هم مقایسه کرده از راه مناقشه‌ی اقوال، رأی راجح را برگزیند تا قوت ترجیح و چگونگی ترجیح او برای مناقش مشخص شود.

از آنجا که احتمال دارد در این مرحله باحث به خاطر بی تجربه بودن دچار اشتباهات فاحش شود یا از اصول بحث علمی فاصله بگیرد معاهد علمی برای هر باحث یا محقق، یک یا دو استاد جهت راهنمایی و اشراف تعیین می‌کنند، تا باحث بتواند تحت نظر و اشراف آن استاد از بی راهه رفتن مصون بماند.

بنابراین نیاز است که برای بهتر انجام شدن این مهم، طلاب و اساتید از وظایف و واجباتی که دارند مطلع شوند.

وظایف مشرفین بحث:

۱. مشرف باید حداقل یک بار در هفته وقت مناسبی را برای ملاقات با باحث تعیین نماید.
۲. کمک به باحث در تصحیح خطه و چهارچوب بحث.
۳. ارتباط مشرف و باحث باید مانند ارتباط بین والدین و فرزند باشد و مشرف سعی نماید همت او را تثبیت نماید و هیچ گاه کار او را به سخره نگیرد هر چند کار وی ناقص باشد.
۴. مشاوره در مورد چگونگی ورود به بحث و استفاده از مراجع اصیل و معرفی مراجع مناسب.

۵. تصحیح اخطاء منهجی که باحث در آن واقع می شود مانند: گفتار یا نقل بدون دلیل، عدم ترتیب درست مواضع، استفاده از احادیث ضعیف و موضع گیری هجویی یا احساسی.

۶. احترام به باحث و افکار وی. (مشرف از دخالت دادن آراء شخصی خود در بحث بپرهیزد هر چند رای باحث را خطا و رأی خود را درست بیندارد چون او مسئول نتیجه بحث نیست و فقط باید در کیفیت نتیجه گیری، باحث را راهنمایی نماید.)

۷. راهنمایی باحث در جاهایی که به علت بی تجربه بودن به حیرت افتاده و مأیوس می شود.

۸. راهنمایی باحث در تنظیم نهایی بحث (از صفحه اول عنوان تا صفحه آخر فهراس)

۹. دقت در تایید کیفیت علمی و تایید صلاحیت بحث برای مناقشه.

وظایف باحث:

وظیفه یک باحث علاوه بر آماده نمودن یک بحث طبق منهج علمی و تحویل به موقع به اداره مدرسه، تعامل صحیح با مشرف می باشد لذا می بایست مطالب طبق زمان بندی خطه بحث، به مشرف تحویل داده شود و در صورت آماده نبودن مطالب حتما با مشرف هماهنگی صورت گیرد.

قبل از توضیح ساختار بحث، لازم به یاد آوری است که رعایت ضوابطی که در این فصل وجود دارد برای ارائه بحث در دوره لیسانس معهد عالی الزامی می باشد.

منظور از ساختار بحث، اجزائی است که یک بحث از آن تشکیل می شود و شامل موارد زیر است:
۱-صفحات اولیه بحث:

أ) جلد بحث: مواردی که بر روی جلد بحث نوشته می شود بدین قرار است.

- آرم معهد عالی، که در قسمت بالای صفحه، سمت راست قرار می گیرد.

- عنوان بحث.

- رتبه و درجه ای که بخاطر آن بحث تقدیم می شود.

- اسم باحث.

- اسم مشرف.

- تاریخ. در این قسمت باید به ترتیب تاریخ هجری قمری، هجری شمسی و میلادی درج شود

همه‌ی موارد گفته شده طبق تصویر زیر تدوین گردد.



المعهد العالی للدراسات الإسلامية
لأهل السنة والجماعة بجنوب إيران
قسم (للبنات)


عنوان بحث

بحث مقدم لنیل الدرجة العالیة اللیسانس

الباحثة:

المشرف:

تاریخ:



المعهد العالی للدراسات الإسلامية
لأهل السنة والجماعة بجنوب إيران
قسم (للبنین)

عنوان بحث

بحث مقدم لنیل الدرجة العالیة اللیسانس

الباحث:

المشرف:

تاریخ:

ب) صفحه عنوان

ج) صفحه بسمله.

د) صفحه افتتاح: در این صفحه معمولاً یک آیه یا حدیث یا شعر که متناسب با بحث باشد نوشته می‌شود.

هـ) صفحه اهداء: در این صفحه، بحث به شخص یا اشخاصی تقدیم می‌گردد. بهتر آن است که در این صفحه از مشرف نامی به میان نیاید.

و) صفحه شکر و تقدیر: معمولاً در این صفحه از کسانی که به گونه‌ای باحث را در زمینه‌های علمی یاری کرده‌اند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

توجه: صفحه‌های افتتاح، اهدا و شکر و تقدیر اختیاری است و نبود آن نقص به حساب نمی‌آید.

۲- مقدمه بحث:

در مقدمه ضروری است موارد زیر گنجانده شود:

أ) حمد و ثناء ب) اهمیت موضوع ج) سبب انتخاب موضوع

د) منهج و روشی که باحث در اثنای نوشتن بحث رعایت می‌کند. توجه شود که لازم است در این قسمت به خطه بحث اشاره شود

هـ) تشکر از رئیس معهد، قسم، مدیر قسم و مشرف

توجه: در صورتی که موضوع بحث تحقیق کتاب یا مخطوط باشد علاوه بر موارد فوق باید به نکات زیر پرداخته شود:
ا) شرح حال مولف. ب) مشخصات نسخه یا نسخه‌هایی که در اختیار باحث قرار دارد.

۳- متن اصلی:

۴- خاتمه: خاتمه: در این صفحه به مطالب و نتایج حاصله به صورت مختصر اشاره می‌شود

۵- مصادر و مراجع: ضروری است در این قسمت به ترتیب اسم مولف، عنوان کتاب، نام محقق، ناشر، سال انتشار، چاپ و شماره چاپ نوشته شود.

۶- فهرست:

انواع فهرست‌ها که بدین ترتیب تنظیم می‌گردد:

- فهرست آیات و احادیث - فهرست اشعار - فهرست اعلام - فهرست اماکن - فهرست موضوعات.

از بین این فهرست‌ها فهرست موضوعات الزامی، و بقیه فهرست‌ها اختیاری می‌باشد.

مراحل نوشتن پایان نامه در دوره عالی معهد از ابتدا تا مناقشه

برای نوشتن یک بحث خوب و تحویل به موقع آن باید بعد از آگاهی از مراحل تحقیق، از مراحل نوشتن بحث در دوره لیسانس معهد عالی هم مطلع باشیم تا موضوعی خوب را انتخاب نموده و در موعد مقرر تحویل اداره قسم نماییم این مراحل عبارتند از:



نوشتن خطه بحث:

نوشتن خطه بحث به عنوان یکی از ضروریاتی است که باید قبل پرداختن به بحث مد نظر هر باحث باشد خطه بحث مانند نقشه ای است که مهندس قبل از ساختن خانه باید بر روی کاغذ ترسیم کند هر اندازه که این نقشه دقیق تر باشد اجرا کردن آن و نتیجه بهتر و مطلوب تر خواهد بود. خطه بحث هم نقشه مسیری است که باحث باید از ابتدا تا انتهای بحث خود، آن را دنبال نماید، و در این مسیر موارد اساسی از قلم نیفتد یا وقت باحث صرف مسائل خارج از بحث نشود. هرچه خطه علمی تر و منطقی تر نوشته شود موجب می شود باحث در رسیدن به جواب سوالات مسیر راحت تری را طی کند و خواننده هم راحت تر متوجه موضوع می شود. استفاده از سوالات اصلی به عنوان فصل و سوالات فرعی به عنوان مبحث و سوالات فرعی تر به عنوان مطلب و زیر مطلب به عنوان مسأله موجب می شود خطه بحث شما علمی تر شود رسیدن به این سوالات یا همان فصل و مبحث و مطلب و مسأله از طریق مطالعه فهرست کتب به باحث کمک می کند موضوع را به طور کامل تحقیق نماید و قسمتی از موضوع رها نشود.

در خطه بحث چه چیزی نوشته می شود:

الف) عنوان بحث: باید مختصر باشد و عنوان محتوای درون را معرفی نماید و به گونه ای باشد که خواننده جذب عنوان شود

ب) اهمیت بحث: در این قسمت ارزش موضوع نوشته می شود و اشاره ای به بعضی از جوانب آن موضوع شده و افکار مطرح در آن مورد بیان می شود

ج) تقریر موضوع: این قسمت به عنوان کلید اصلی خطه است چون در این قسمت یک فکر کلی در مورد موضوع داده می شود و محور اصلی موضوع شرح داده می شود به گونه ای که رویکرد بحث برای خوانندگان مشخص شود. می بایست سؤال اصلی بحث در این قسمت تبیین شود.

د) نوشتن سوالات اصلی و فرعی

ه) نوشتن فصل ها و مباحث و مطالب و مسائل

و) منهج بحث: در این قسمت به بیان چگونگی طرح مسایل و نوع تحقیق (آدرس دهی، نوشتن شرح حال افراد، تخریب احادیث و پرداختن یا پرداختن به نظریات محققین در تصحیح یا تضعیف احادیث و...) و استفاده از ابزاری که در تحقیق استفاده میشود یا روشی نا متعارف در تحقیق که ظروف باعث شده باحث به آن پناه ببرد مشخص می شود.

ز) نوشتن سابقه تحقیقاتی که قبل از آن در معهد انجام گرفته: در صورتی که موضوعی مشابه موضوع انتخاب شده در یکی از رشته ها نوشته شده، باید علاوه بر نوشتن نام باحث و سال نگارش، کار جدیدی که قرار است در این زمینه انجام گیرد مشخص شود.

ح) تعاریفات: اگر در عنوان بحث کلماتی بود که به علت استعمال کم یا احتمال التباس با چیزی دیگر نیاز به تعریف داشت باید در این قسمت نوشته شود.

ط) نوشتن مهمترین مصادر و مراجع:

معمولا با استفاده از کتب و موضوعات مقاله یا پایان نامه هایی که در یک بحث خاص نوشته شده مصادر و مراجع آن موضوع مشخص می شود و حتی با مراجعه به قسمت خاص مصادر و مراجع می توان بیش از هفتاد درصد منابع خود را شناسایی کرد، بعد از آن با مطالعه سریع بر فهرس و نگاهی اجمالی به موضوعات کتاب مورد نظر، باحث متوجه می شود که آیا می توان از این کتاب به عنوان مصدر استفاده کرد یا نه؟ معمولا در قسمت مقدمه در مورد روش کار محقق توضیحاتی ارائه شده که به باحث کمک زیادی در شناسایی کتاب می کند و در کتبی که توسط افراد محقق تحقیق شده اند میزان اهتمام باحثین به آن کتاب و رتبه علمی آن آورده می شود. باحث علاوه بر آن می تواند از کتبی که در مورد مراجع و مصادر هم نوشته شده استفاده نماید این کتب معمولا علوم را تقسیم بندی کرده و بر اساس تقسیم بندی های مولفین کتب معتبر را ذکر می کنند. یک باحث برای استفاده راحت تر از مصادر می تواند برای مصادر و مراجع خود فیشی را تعیین نماید و بر حسب موضوعات آنها را دسته بندی کند تا در هنگام استفاده از آنها کمترین وقت به هدر رود این فیش شامل موارد زیر می شود:

اسم کتاب و نام مولف: التقریب و الارشاد/ ابوبکر الباقلائی (متوفی ۴۰۳)

توضیح مختصری از موضوعات کتاب خصوصا زمانی که عنوان محتوا را نرساند: موضوعات اصول بر منهج متکلمین

مرتبه علمی کتاب: یکی از اولین کتب اصولی بر مبنای منهج متکلمین

نام محقق:

معلومات نشر: چهار جلدی

مکانی که کتاب وجود دارد: کتاب خانه

ی) جدول مراحل بحث: باحث باید بر نوشتن جدول زمانی برای اتمام بحث حریص باشد و بحث خود را به گونه ای تنظیم کند که بتواند در موعد مقرر به اداره قسم تحویل دهد. بنابراین برای مطالعه مصادر و مراجع و نوشتن هر فصل یا مبحث تاریخی تخمینی می نویسد تا در اثناء کار بتواند مدیریت زمان را در دست داشته باشد.

بنابر مواردی که قبلاً ذکر شد طلاب موظف هستند، خطه بحث خود را به شرح زیر آماده نموده و به دفتر قسم مربوطه

تحویل نمایند

عنوان بحث:

اهمیت موضوع:

تقریر موضوع:

هدف بحث:

سابقه تحقیقاتی:

تعریف اصطلاحات:

مصادر و مراجع مهم:

سوالات اصلی و فرعی:

باب بندی:

مراحل و زمان بحث:

ردیف	مراحل تحقیقات	زمان	توضیحات

نام و نام خانوادگی باحث:

مشرف یا مشرفین پیشنهادی:

نوشتن، چاپ و مناقشه بحث

همانگونه که قبلاً ذکر شد بحث به تلاشی تحقیقاتی، تحلیلی، نقدی و مقارنه‌ای در هر موضوعی اطلاق می‌شود که هدفش کشف و رسیدن به حقیقت باشد. در این تلاش موضوع کاملاً عرضه شده تمامی نظریه‌ها و ادله ذکر شده و به دور از میل باحث موضوع مناقشه شده و نتیجه‌گیری می‌شود.

از آنجایی که بحث شامل مفاهیمی است که الفاظ به عنوان قالب و تعبیر کننده آنها به حساب می‌آیند، پژوهشگری می‌تواند در بحث خود موفق باشد که بتواند از افکارش بدرستی تعبیر نماید و افکارش را در قالب جملاتی با ادبیات صحیح و بدون تکرار و تطویل یا اختصاری که معنی را پیچیده نماید، بیان کند.

پس در نوشتن بحث، رعایت اسلوب علمی در تمامی فصل‌ها یک ضرورت است و فرقی بین رشته‌های مختلف یا بحث‌های متفاوت نیست. چون همانگونه که ذکر شد «منظور از منهج بحث، روش صحیح تنظیم معلومات برای کشف حقیقت است به گونه‌ای که عرضه معلومات بر اساس یک روش منطقی سالم باشد و خواننده از طریق فهم اطلاعات آسان، معانی سخت را بفهمد و از طریق معلومات بتواند مجهولات را کشف نماید و از طریق مسلمات، اختلافات را فهم کند و در تمامی این انتقالات انسجام افکار و ارتباط معلومات حفظ شود.» و با رعایت همین منهج است افکار قابل فهم می‌شوند و همه افکار مطرح شده نقد و بررسی می‌شوند.

همان‌گونه که برخی از انسانها بدون تمرین یا گذراندن مقاطع تعلیمی می‌توانند به راحتی نقاشی کنند یا خطاط ماهر، یا انسان سخنوری هستند، فن نوشتن هم یک موهبت خدادادی است. اما همان‌گونه که قبلاً ذکر شد همه می‌توانند با تمرین در این فن خبره شوند.

برای این که بحث طبق اسلوب علمی نوشته شود، رعایت موارد زیر ضرورت دارد:

۱. استفاده از الفاظ روان، واضح، که مفهوم را منتقل نماید و تکلفی در آن نباشد. دقت شود که در بحث از کلماتی استفاده شود که در نوشته‌ها کاربرد دارد چون استفاده از کلمات غریب و کم استعمال موجب می‌شود خواننده موضوع را کاملاً فهم نکند. همچنین نباید در نوشتن از الفاظی استفاده شود که معانی متعددی دارند و چنانچه کلمه استفاده شده بیشتر از یک معنی داشت حتماً باید با قرینه‌ای صریح، معنی مراد را مشخص نماییم.
۲. رعایت نمودن قواعد صرفی، نحوی و بلاغی در نوشتار. باحث نیاز مبرم به فهمیدن قواعد و اسلوب زبانی دارد که می‌خواهد مفاهیم را به آن زبان ادا کند پس ملتزم بودن به قواعد صرفی، نحوی و بلاغی در جملات، ضرورت نوشتن بحث به زبان عربی است. یکی از نکات ضروری دقت در استفاده از مراجع مذکر و مونث در بحث می‌باشد و از آنجایی که در زبان فارسی ضمیر مونث و مذکر یکسان استفاده می‌شود اغلب مواردی که باحث اشتباه دستوری دارد در استفاده از ضمائر است که نیاز است مطالب را چندین بار به دقت مرور کرد تا اشتباهات رفع شود.

۳. استفاده از اسلوب علمی از ابتدا تا انتهای بحث. باحث باید از اسلوب علمی دقیق، واضح و ساده ای استفاده نماید که هیچ غموض و التباسی در آن نباشد و این اسلوب باید هم در افکار و هم در الفاظ رعایت شود. چون در برخی از موارد موضوع در ذهن باحث واضح نیست و این اضطراب و تشویش خود را در الفاظ نشان می دهد. و در برخی از موارد موضوع در ذهن باحث واضح است اما چون قدرت تعبیر به زبان عربی در باحث وجود ندارد جمله به گونه ای نوشته شده که خواننده نمی تواند افکار باحث را درست فهم نماید.
۴. استفاده از جملات کوتاه، مناسب. یکی از موارد مهمی که باید در نوشتن بحث رعایت شود استفاده از جملات کوتاه و واضح است، بدین معنا که لفظ به مقدار مفهوم باشد و کمتر یا زیادتر از آن نباشد مگر زمانی که موضوع واضح است و حذف مخل نباشد یا موضوع پیچیده است و نیاز به تبیین و مثال دارد.
۵. ایجاد ارتباط منطقی بین جملات و پاراگراف ها و مطالب. نکته مهمی که باید در نوشتن بحث رعایت شود ایجاد ارتباط منطقی بین جملات استفاده شده در یک پاراگراف، و ارتباط بین پاراگراف های یک مطلب است. بدین شرح که ابتدای هر پاراگراف تمهیدی برای موضوع و بعد نظریات و توضیح و در آخر جمع بندی باشد. و خواننده پس از هر پاراگراف مفهوم آن را به راحتی در ذهن خود جا داده و با کنار هم قرار دادن این مفاهیم بتواند مجهولات را کشف نماید یا به علت اختلافات موجود پی برده و قدرت ترجیح بین اقوال را پیدا نماید.
۶. نپرداختن به مناقشه موضوعات فرعی که در بحث ذکر می شود. باحث نباید زیاد به موضوعات فرعی بحث بپردازد و برای آنها دلیل بیاورد یا در بحث خود وارد دلایلی شود که نیاز است چند کتاب در باره آنها نوشته شود.
۷. احترام به افکار دیگران و ذکر اسامی افراد همراه با صفات مدح آنان و رعایت مواردی که در آداب باحث ذکر شد.
۸. رعایت امانت علمی هنگام تصرف در اقوال. موضوع دیگری که باید در نوشتن بحث رعایت شود، مشخص نمودن دخل و تصرف در اقوال است بدین شرح که اگر باحث در هنگام نقل قول، کلمه یا جمله ای را به آن قول اضافه نمود، باید آن اضافه را در [] بنویسد و هنگامی که کلمه یا جمله ای از متنی که نقل شده حذف شد با علامت (...) مشخص نماید.
۹. وضوح در تقسیمات و تفریعات. یکی از مواردی که باعث وضوح بیشتر بحث می شود تقسیمات منطقی موضوع است. اما در برخی از موارد خصوصا زمانی که تقسیمات خود به فروع متعدد تقسیم می شوند، واضح نبودن این تفریعات باعث غموض بحث می شود. برای جلوگیری از این غموض لازم است فروع و تقسیمات با خط

درشت تری نوشته شوند و در صورت نیاز از شماره، خط فاصله و حروف ابجدی استفاده شود. اما لازم است روند استفاده از اعداد و حروف در تمامی بحث به یک شکل باشد.

۱۰. شکل گذاری نمودن احادیث کلمات مشکل و اشعار.

۱۱. استفاده از نشانه گذاری در نوشتار. منظور از نشانه گذاری رعایت قواعد سجاوندی و به کار بردن نشانه یی است که خواندن و در نتیجه فهم درست مطالب را آسان و به رفع پاره ای ابهامها، که از عدم انعکاس دقیق و روشن عناصر و دلالات گفتاری در نوشته پدید می آید، کمک کند.

برخی از نشانه ها و موارد کاربرد آنها عبارتند از:

- نقطه (.)؛ نقطه علامت پایان یافتن یک جمله است. مهمترین کاربرد نقطه در پایان جمله های کامل خبری مفید است همچنین جمله ای که معنای آن تمام شده است.
- کاما یا ویرگول (،)؛ ویرگول نشانه مکث یا وقفی کوتاه است که برای فاصله بین قسمت های جمله می آید و اغلب در موارد زیر به کار می رود:
 - أ) بعد از اسم منادا
 - ب) بین جمله شرطیه و جواب آن
 - ج) بین جمله هایی که به هم عطف شده اند و از نظر معنی با هم مرتبط هستند و در حکم یک جمله می باشند.
 - د) بین کلماتی که در یک جمله به هم عطف شده اند
 - ه) بعد از قسم
 - و) بعد از نعم و لا که در جواب سوال بیاید به شرط اینکه ادامه آن جمله خبری باشد
 - ز) هنگام نوشتن مصادر و مراجع بین اسم مؤلف، عنوان کتاب، مکان نشر، تاریخ نشر
- کامانقطه (؛)؛ نقطه ویرگول، نشانه وقف یا درنگی است طولانی تر از ویرگول و کمتر از نقطه. و بیشتر در موارد زیر به کار می رود:
 - أ) بعد از جمله ای که سبب یا تعلیل یا توضیح یا تفصیل بعد از آن ذکر می شود.
 - ب) بین دو جمله ای که اولی سبب دومی باشد مثل: لقد اغتر العرب والمسلمون بماضیهم و تهاونوا فی بناء حاضرهم؛ و لذا خسروا حضارتهم وقوتهم ومعارکهم مع الاستعمار واسرائیل.
- دو نقطه (:؛) دو نقطه برای توضیح و تبیین مورد استفاده قرار می گیرد و موارد کاربرد آن عبارت است از:
 - أ) پیش از نقل قول مستقیم
 - ب) بعد از کلمات تفسیر کننده از قبیل: یعنی، برای مثال، عبارتند از ...
 - پراکنش: () از این نشانه در موارد زیر استفاده می شود:

أ) اطراف ارقام

ب) شرح یا تفسیر کلمه سخت یا کم استعمال و قدیمی که در متن آمده مثل الطور (الجبل)

ج) هنگام ذکر صفتی که بعد از اسامی می آید

- قلاب []: قلاب نشانه افزودن کلمه یا کلمات یا عباراتی بر متن نوشته می باشد.
- گیومه «»: گیومه نشانه نقل قول از دیگران یا اهمیت نوشته است.
- سه نقطه (...): این علامت برای نشان دادن کلمه یا کلمات و عبارات یا جمله های محذوف و یا افتادگی ها به کار می رود خواه در اول مطلب باشد یا وسط یا آخر.

قوانین کتابت بحث در تنظیمات صفحه:

در تنظیم بحث باید موارد زیر رعایت شود:

۱. حجم بحث:

۲. اندازه کاغذ و فونت:

بحث در کاغذ A4 با ابعاد (۲۱*۳۰) سانتیمتر نوشته شود و فاصله بین سطرها باید (۱) سانتیمتر باشد.

اندازه فونت در قسمت عنوانها ۱۸، متن ۱۶ و پاورقی ۱۲ می باشد توجه داشته باشید که متن خاتمه بحث با فونت ۱۸ نوشته می شود.

در حاشیه ها اندازه های ذیل رعایت شود:

— در قسمت بالای صفحه ۲/۵ سانتیمتر.

— در قسمت پایین صفحه ۳ سانتیمتر.

— در قسمت راست صفحه ۳/۵ سانتیمتر.

— در قسمت چپ صفحه ۲ سانتیمتر.

۳. پاورقی:

در هنگام نوشتن پاورقی در بحث از چندین روش استفاده می شود:

أ) مصادر و مراجع را مسلسل وار تا آخر بحث شماره گذاری و همه مراجع را یکجا در پایان ذکر می کنند.

ب) مصادر و مراجع را مسلسل وار تا آخر فصل شماره گذاری و همه مراجع را در پایان فصل ذکر می کنند.

ج) مصادر و مراجع هر صفحه را در پایین همان صفحه ذکر می کنند.

از بین این سه روش آنچه بیشتر مورد استفاده است، و کار را بر خواننده آسان تر می کند روش سوم است، که به طلاب توصیه می شود از روش سوم استفاده نمایند.

مواردی که باید در پاورقی ذکر شود:

در پاورقی بحث، ذکر موارد به سه صورت انجام می گیرد:

أ) در همه صفحات اسم مولف، عنوان کتاب، جلد کتاب در صورت چند جلدی بودن، شماره صفحه، اسم محقق و ناشر، سال انتشار، چاپ و شماره چاپ ذکر می‌شود.

ب) برای اولین بار اسم مولف، عنوان کتاب، جلد کتاب در صورت چند جلدی بودن، شماره صفحه، اسم محقق و ناشر، سال انتشار، چاپ و شماره چاپ ذکر می‌شود. اگر برای بار دوم از همان مرجع استفاده شود، فقط نام مرجع را ذکر می‌کند یعنی اسم مولف، عنوان کتاب، جلد و صفحه.

ج) در همه موارد فقط عنوان کتاب، نام مولف، جلد کتاب در صورت چند جلدی بودن و شماره صفحه ذکر می‌شود. ذکر موارد زیر در پاورقی الزامی است.

عنوان کتاب یا مقاله یا رساله، اسم مولف، جلد کتاب در صورت چند جلدی بودن و شماره صفحه.
تذکره: در صورتی که اسم کتاب یا مولف در متن ذکر شد نیاز به تکرار آن در پاورقی نیست، و اگر هر دو در متن ذکر شد فقط جلد و صفحه را در پاورقی می‌نویسد.

در صورتی که از یک مصدر در یک صفحه چند بار استفاده شود، و از مصدر دیگری در بین آنها استفاده نشده باشد، در پاورقی برای اولین بار، مصدر را با نام کامل، و برای بار دوم و... از کلمه (المصدر نفسه) استفاده می‌شود.

اگر کتابی دارای دو یا سه مؤلف بود، نام همه آنها در پاورقی ذکر می‌شود، ولی اگر از سه نفر بیشتر بودند، نام مشهورترین آنها نوشته می‌شود و سپس کلمه (و غیره) یا (و آخرون) را می‌نویسد.

هر گاه مطلبی از یک کتاب گرفته شود و بصورت خلاصه با عباراتی دیگر تنظیم گردد، در پاورقی از کلمه (انظر) یا (راجع) استفاده می‌شود.

۴. شماره گذاری صفحات:

هنگام شماره گذاری بحث، صفحات اولیه شامل: «صفحه بسمله، افتتاح، اهدا و شکر و تقدیر» شماره گذاری نمی‌شود و در مقدمه از حروف الفبا(ابجد) به جای شماره گذاری استفاده می‌شود و پس از مقدمه تا آخرین صفحه بحث از ارقام استفاده می‌شود.

تعداد صفحات بحث بر اساس موضوع و مقطعی که بحث در آن نوشته می‌شود متفاوت است اما به طور کلی در دوره

لیسانس نباید حجم بحث از ۳۵ صفحه کمتر باشد و معمولاً حداکثر صفحات بحث نباید از ۷۰ صفحه بیشتر باشد. در صورتی که باحث احتمال می‌دهد موضوعش بیشتر از ۷۰ صفحه باشد، می‌بایست در خطه بحثی که برای قسم آماده می‌نماید به این امر اشاره نماید و در صورتی که از طرف قسم موافقت شد باحث می‌تواند بیشتر از ۷۰ صفحه بنویسد.

در برخی از موارد باحث ناچار می‌شود برای تبیین موضوع از جدول یا عکس در بحث خود استفاده نماید، در صورتی که تعداد جدول‌ها یا عکس‌ها بیش از یک مورد بود هر جدول و عکس شماره خاص خود را داشته باشد تا خواننده هنگام ارجاع راحت‌تر بتواند مطلب را پیدا نماید. همچنین عکس‌های که در بحث مورد استفاده قرار می‌گیرند باید واضح باشند و در صورتی که اطلاعات آماری به صورت چارت نمایش داده شود باید موارد به وضوح نوشته شود به گونه‌ای که هیچ ابهامی یا التباسی پیش نیاید.

چاپ، و مناقشه بحث:

زمانی که نوشتن مطالب بحث تمام شد، قبل از تحویل به مشرف برای تایید نهایی، می بایست باحث یک بار به صورت دقیق و کامل با نهایت دقت در الفاظ و معانی، مطالب را از ابتدا تا انتها خوانده، و اشتباهات را تصحیح نماید.

تذکر: از آن جایی که انسان بنا بر طبیعت رشد خود هر گاه مطلبی را بنویسد یا موضوعی را ارائه دهد و یک روز بعد یا یک ساعت بعد بخواهد دوباره آن موضوع را بررسی نماید تغییراتی را اعمال می کند، باید باحث متوجه باشد که در دام وسواس و دوباره نویسی و حذف مطالب گرفتار نشود. زیرا این کار باعث می شود هیچ گاه بحث، آماده ارائه نهایی نشود.

پس از اینکه مشرف بحث را برای مناقشه تایید نمود، بحث آماده چاپ نهایی می شود. در صورتی که باحث توانایی تصحیح اشتباهات تایپی و تنظیم بحث را دارد بهتر است خود اقدام به این امر نماید. در غیر این صورت باید این کار را به کسانی واگذار نماید که متخصص این امر هستند.

معمولا بیشترین اشتباهی که در بحث ها اتفاق می افتد در فهرست موضوعات است که قبل از تنظیم نهایی شماره صفحات نوشته می شود. و پس از تنظیم، صفحات تغییر می کنند اما در فهرست تغییر ایجاد نمی شود. بنا براین بهتر است شماره صفحات در فهرست موضوعات قبل از چاپ مورد بررسی قرار گیرد.

پس از آماده نمودن مطالب و تنظیمات نهایی، باید سه نسخه از بحث آماده شود که دو نسخه در اختیار قسم و یک نسخه در اختیار باحث می باشد همچنین باید مطالب بحث به صورت word و PDF به دفتر قسم تحویل داده شود.

پس از تایید مشرف و اتمام مراحل چاپ و جلد گیری و تحویل بحث به قسم، شورای قسم و هیأت علمی مناقش بحث و زمان مناقشه را مشخص می نمایند.

همان گونه که قبلا ذکر شد، هدف از بحث و تحقیق در دوره لیسانس، رسیدن به یک سری اهداف علمی است که موجب رشد و بالندگی طلاب در مسیر نویسندگی محققانه می شود. طالب العلم در این مرحله باید بتواند با نقل درست و ادای امانت علمی، موضوعاتی که در یک زمینه وجود دارد را به هم ربط داده و گاهی اوقات ادله و اقوال را با هم مقایسه کرده از راه مناقشه ی اقوال، رأی راجح را برگزیند تا قوت ترجیح و چگونگی ترجیح او برای مناقش مشخص شود.

پس از تعیین وقت مناقشه، باحث باید خلاصه ای از بحث خود را آماده کرده و بتواند آن را به اختصار حداکثر تا ۳۰ دقیقه شرح دهد. و این خلاصه را مکتوب همراه خود در جلسه ارائه نماید. این خلاصه باید از دقت و وضوح بالایی برخوردار باشد و در آن موارد زیر گنجانده شود:

۱. توضیح موضوع و تبیین سوال اصلی.
 ۲. اهمیت این موضوع در مجال علمی.
 ۳. اسباب انتخاب موضوع.
 ۴. مهمترین اختلافات موضوع اصلی و ترجیح با دلیل.
 ۵. نتایج و حقایق که از این بحث حاصل شده، و افقی که برای دیگران در ادامه دادن این مسیر ایجاد شده.
- پس از ارائه مطالب توسط باحث مناقشه شروع می شود و معمولاً جلسه مناقشه بین یک الی دو ساعت به طول می انجامد و این تفاوت در مدت مناقشه به عوامل متعددی بستگی دارد که برخی از آنها عبارتند از: حجم بحث، تعمق باحث در موضوع، نو آوری که باحث در ارائه موضوع داشته و جدید بودن موضوع.
- پس از اتمام جلسه مناقشه، مناقش طبق جدول زیر امتیاز باحث را نوشته و به اداره قسم تحویل می دهد و نتیجه مناقشه از طریق اداره قسم به باحث اعلام می گردد.

مواردی که در مناقشه امتیاز دارد و امتیازات به شرح زیر می باشد:

نمره	عنوان	نمره	عنوان
۳	هدف از بحث (ذوق انتخاب موضوع)	۴	روش تخطیط
۳	نسبت ارائه موضوع (معرفی بحث)	۳	وارد شدن به موضوع
۴	رعایت ضوابط آدرس در پاورقی	۱۵	قدرت جمع بندی مطالب
۱۵	میزان بروز شخصیت باحث در بحث	۸	اصالت مراجع
۷	تدوین و صفحه بندی و فهرست	۸	ترقیم و علامت گذاری
۸	رعایت حجم مورد نظر و ادای حق مطلب	۲	توضیحات (حاشیه و تعلیقات)
۱۰	صواب و خطای عبارت (صرفی - نحوی - بلاغی)	۱۰	قدرت دفاع از بحث

فصل پنجم: قواعد تحقیق مخطوطات

منظور از مخطوط، کتاب یا نوشته ای است که از گذشتگان به جا مانده و به شیوه امروزی چاپ نشده بلکه به خط مولف اصلی آن یا به خط نسخه نویسان کتابها است.

از آنجایی که گذشتگان ما - خصوصا در دوران طلایی رشد علمی - تالیفات زیادی داشته اند، و گاهی این تالیفات در نوع خود بی نظیر می باشند، اهمیت دادن به تحقیق مخطوطات از اهمیت زیادی برخوردار است.

هدف از تحقیق مخطوطات این است که کتاب همان گونه که مولف، آن را نوشته بدون هیچ اضافه یا نقصی در متن آن در اختیار دیگران قرار گیرد. دقت شود در برخی از موارد مولف، کتاب خود را در چند مرحله تدوین کرده در این گونه موارد، می بایست باحث بر این مراحل اطلاع کافی داشته باشد و نسخه نهایی را به عنوان نسخه اصلی استفاده نماید. همچنین نباید باحث با توضیحات زیادی شرح را از متن پررنگ تر نماید. بلکه باید هنگام نیاز از توضیحات و حواشی استفاده نمود.

قبل از اینکه طالب العلم مخطوطی را برای تحقیق به عنوان بحث خود پیشنهاد دهد باید موارد زیر را مد نظر قرار دهد:

۱. مطمئن شود که این مخطوط تا به حال به روش علمی تحقیق نشده.

۲. مخطوط در تخصص خود ارزش علمی داشته باشد. از آنجایی که مخطوطات زیادی در جهان وجود دارد که تحقیق نشده، و هدف از تحقیق کمک به محققین در توسعه علوم می باشد، مخطوطی برای تحقیق قابل قبول است که باعث ایجاد افقی جدید جلو دیگر باحثین شود.

برای تسهیل امر تحقیق مخطوطات، بهتر است ابتدا این مراحل پیموده شود:

۱. جمع نسخه های مخطوط. برای جمع نمودن نسخه های مخطوط لازم است به مجلات و سایتیهای که مخصوص اطلاعات در مورد مخطوطات مختلف است مراجعه شود چون تهیه نسخه های متفاوت موجب سهولت و دقت بیشتر در تحقیق مخطوط می شود.

۲. ترتیب نسخه ها بر حسب اصالت. در تحقیق مخطوط بهترین نسخه، نسخه ای است که با خط خود مولف نوشته شده و به ترتیب رتبه اصالت بقیه نسخه ها عبارتند از:

أ) نسخه ای که طبق نسخه اصلی نوشته شده و بر مولف قرائت شده و مولف تایید نموده

ب) نسخه ای که در حیات مولف به دست یکی از نسخه نویسان مشهور و مطابق نسخه اصلی نوشته شده.

ج) نسخه ای که در عصر مولف نوشته شده و هم عصران مولف بر آن حاشیه نوشته اند و تایید نموده اند که نوشته مولف است.

- (د) نسخه ای که بعد از عصر مولف و با اجازه نوشته شده.
(ه) نسخه ای که بعد از عصر مولف و بدون اجازه نوشته شده.
(و) نسخه ای که قسمت‌های مهمی از آن حذف شده.
۳. رمز گذاری مخطوط. در تحقیق مخطوط معمولاً از سه نسخه یا بیشتر استفاده می‌شود گرچه در برخی موارد به علت فقدان نسخه‌های دیگر، فقط از یک مخطوط استفاده می‌شود. اما در صورتی که تعداد نسخه‌ها مورد استفاده زیاد باشد برای تسهیل در آدرس دادن بهتر است نسخه‌ها اسم گذاری شوند.

قواعد تحقیق مخطوط

در تحقیق مخطوطات موارد زیر باید رعایت شود:

۱. نوشتن مقدمه ای بر مخطوط. در مقدمه مخطوط باید موارد زیر ذکر شود:
 - ا) زندگی نامه مولف و مکان علمی ایشان خصوصاً در تخصصی که مخطوط در آن زمینه تالیف شده و اساتید و شاگردان وی و سخنان علمای هم عصر و بعد از او در مورد مکان علمی مولف.
 - ب) معرفی نسخه‌های استفاده شده در تحقیق و درجه آنها و ارزش علمی آن نسبت به تالیفاتی که در این موضوع نوشته شده همراه با تصویر چند صفحه از نسخه‌ها.
 - ج) تایید صحت مخطوط و صحت نسبت آن به مولف.
 - د) توضیح علائمی که در اثناء تحقیق از آنها استفاده می‌نماید.
۲. مقابله بین نسخه‌ها برای مشخص شدن تشابه یا اختلاف بین الفاظ. در صورتی که بین نسخه اصلی و دیگر نسخه‌ها اختلاف بود باید در پاورقی ذکر شود. همچنین در صورتی که قسمتی از مخطوط نسخه اصلی از بین رفته بود از دیگر نسخه‌ها استفاده می‌کند و در پاورقی این امر را توضیح می‌دهد. اگر در نسخه اصلی جمله یا کلمه‌ای بود و در سائر نسخه‌ها جمله‌ای دیگر، و به نظر باحث، متن سائر نسخه‌ها درست به نظر می‌رسید متن را طبق نظر خود و با استناد به سائر نسخه‌ها تصحیح می‌کند و در پاورقی این موضوع را توضیح می‌دهد. همچنین هر گاه مولف کلمه یا جمله‌ای را در نسخه اصلی ناقص نوشته و به نظر باحث باید کامل نوشته شود اضافات باحث باید بین دو قلاب [] نوشته شود. و هر گاه مولف کلمه یا اسمی را به اشتباه نوشته باشد باحث باید صحیح آن کلمه را در پاورقی بنویسد.
۳. حرکت گذاری و گذاشتن نشانه‌های نوشتاری و پاراگراف بندی متن.
۴. آدرس دادن آیات، تخریج احادیث و نسبت دادن اقوال به صاحبان آنها همراه با آدرس و توضیح کلمات سخت در پاورقی.

۵. باب بندی نمودن مخطوط. اگر مخطوط باب بندی نبود می بایست باحث بر طبق متن کتاب و بر اساس تقسیمات منطقی مخطوط را باب بندی نماید.
۶. نوشتن مصادر و مراجع مورد استفاده باحث.
۷. نوشتن فهرس آیات، احادیث، اعلام، اماکن، مصطلحات، اشعار، موضوعات و...